

تربیت اسلامی و ارتباط عقیفانه در دانشگاه با توجه به دریافت دانشجویان

محمدتقی کرمی *

نعمت الله موسی پور **

سید عبدالرسول علم الهدی ***

دریافت مقاله: ۹۵/۶/۲۱

پذیرش نهایی: ۹۵/۸/۲۲

چکیده

مسئله اصلی این مقاله چگونگی تربیت اسلامی دانشجویان در دانشگاه برای دستیابی به ارتباط سالم بین ایشان است؛ بنابراین تلاش شد تا الگویی از تربیت اسلامی دانشجویان با توجه به ۱ - ادبیات نظری تربیت اسلامی و ارتباط عقیفانه ۲ - تربیت اسلامی در دانشگاه از نگاه مقام معظم رهبری ۳ - دریافت اینان از هنجار عفاف و پدیده ارتباط با غیرهمجنس در میدان دانشگاه ارائه شود. برای همین با شیوه کیفی و استفاده از روش میدانی از شیوه مصاحبه نیمه ساخت یافته در میان ۳۰ نفر از دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه‌های تهران برای گردآوری داده‌ها استفاده، و سپس با روش تحلیل مضمونی و رویکرد پدیدارشناختی، تحلیل داده‌ها انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که دانشجویان ضمن عدم رضایت از وضعیت موجود عفاف در دانشگاه، آگاهی کافی در مورد قواعد اسلامی عفاف ندارند. تربیت اسلامی در نگاه ایشان جایگاه ویژه‌ای در ارتباط سالم بین دو جنس داشت به صورتی که اشتراک ذهنی در مورد ارتباط غیرعقیفانه همچون رفتارهای جلب توجه کننده، تحریک‌آمیز و صمیمانه وجود دارد. در مورد زمینه‌های ارتباط غیرعقیفانه به طبقه اجتماعی، فرار از انزوا و دوری از خانواده و در مورد زمینه‌های ارتباط عقیفانه به تربیت خانوادگی، پابندی به دین و تأثیر استادان دانشگاه اشاره شد. **کلیدواژه‌ها:** تربیت اسلامی، ارتباط عقیفانه، میدان دانشگاه، دریافت دانشجویان.

این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان سیاستگذاری تربیتی ارتباط عقیفانه در دانشگاه با توجه به دریافت دانشجویان تدوین شده است.

mt.karami@yahoo.com

* استادیار دانشگاه علامه طباطبایی

n_mosapour@yahoo.com

** دانشیار دانشگاه فرهنگیان

*** نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری سیاستگذاری فرهنگی در پژوهشکده مطالعات فرهنگی و

ralamolhoda@gmail.com

اجتماعی

مقدمه

یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی رشد انسان، دانشگاه‌هاست. در ترسیم رسالت آموزش عالی، حفظ سنتهای علمی، تربیت متخصصان، تربیت عمومی از طریق فراگیری آموزه‌های عمومی، توسعه میراث فرهنگی، شرکت مؤثر در مراکز پژوهشی و تلاش برای حل مشکلات اجتماعی از طریق علمی باید مورد توجه واقع شود (شریعتمداری، ۱۳۷۴: ۶۲). رهبر کبیر انقلاب ضمن اشاره به وابستگی مقدرات و آینده اداره جامعه به دانشگاه‌ها می‌فرماید: «دانشگاه باید محل رشد فکری جامعه باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۹: ۲۳۱) «و مرکز علم و ادب باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۳: ۱۵۷). بنابراین، تربیت انسانی - اسلامی و رشد نیروی انسانی صالح از مهمترین رسالت‌های دانشگاه است؛ چنانکه مقام معظم رهبری اشاره می‌کنند: «آن علمی که ما می‌خواهیم، همراه با تزکیه است. همین آیاتی که اول این جلسه تلاوت کردند به این نکته اشاره دارد: «هو اَلذی بعث فی الاممیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه» (الجمعه/۲). اول، تزکیه است. تربیت دین، تربیت قرآن، تربیت اسلام این است؛ چرا اول تزکیه؟ برای اینکه اگر تزکیه نبود، علم منحرف می‌شود» (بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۴ مهر ۱۳۸۹).

پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد، یکی از مهمترین مسائل فرهنگی دانشگاه‌های کشور، فضای ارتباطی غیرهمجنسان و رعایت اخلاق جنسی است (پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، ۱۳۸۸ و سادات منصوری، ۱۳۸۷) بویژه اینکه جامعه ایران با پدیده تغییر ساختار جنسیتی دانش‌آموختگان دانشگاهی، که تا پیش از انقلاب اسلامی، مردانه (تقریباً ۷۵ درصد مرد و ۲۵ درصد زن) (فلاحی، ۱۳۹۴) و در سال ۱۳۹۰ به حدود ۶۰ درصد زن و ۴۰ درصد مرد در حال تحصیل رسیده است، نیز روبه‌رو است (بال، ۱۳۹۰). حداقل انتظاری که از دانشگاه می‌رود، وجود کارکردهای علمی و تربیت انسانهای هنجاری و سودمند برای جامعه است؛ اما روابط ناسالم بین غیرهمجنسان نه تنها موجب کژکارکردهایی برای دانشگاه می‌شود، بلکه جریان تربیت دانشجوی سالم را با مشکل روبه‌رو کرده است. در مقابل، سیاستهای تفکیک جنسیتی و ترویج ازدواج آسان در دانشگاه‌ها برای جلوگیری از گسترش ناهنجاریهای اخلاقی و حفظ دانشجوی سالم انجام شده است؛ با این حال مشکلات متعددی در ارتباطات دانشجویان مشاهده می‌شود.

پژوهش‌های بسیاری در زمینه عفاف و حجاب بویژه در حوزه‌های فقهی و اخلاقی انجام شده

است، اما آنچه به عنوان پیشینه این مقاله به شمار می‌آید، تحقیقات میدانی و پیمایشی در دانشگاه یا با دانشجویان در موضوع عفاف و حجاب است. عزیززاده (۱۳۸۸) پژوهش سنجش نگرش دانشجویان دانشگاه‌های تهران به پوشش و حجاب با هدف نگرش سنجی دانشجویان به این ارزش اسلامی را انجام داد. در این طرح از روش تحقیق کیفی و با استفاده از نظریه مبنایی سعی شد با مراجعه به دانشجویان به طور مستقیم و از طریق مصاحبه‌های گروهی و فردی اطلاعات مورد نظر به دست آید. نتایج این مطالعه نشان داد که بحث حجاب و پوشش با سنجش دینداری دانشجویان ارتباط تنگاتنگی دارد؛ هم‌چنین دو رویکرد در تعریف به حجاب و پوشش آمده است؛ تعریفی که بر اصول و عقاید دینی تعبدی با ارجاع به دلایل عقلی و نقلی برآمده از آیات و روایات و احکام مراجع تقلید مبتنی است و دسته دوم تأکید بر ارزشهای عرفی و استنباطهای شخصی است که برگرفته از خرده فرهنگهای خانوادگی و بومی و منطقه‌ای است. این طیف شامل انواع مختلفی از گرایشهای دینی با تأکیدات شخصی تا گرایشهای غیر دینی است.

کرمانشاهیان (۱۳۷۷) سنجش گرایش دانشجویان به حجاب و عوامل مؤثر بر آن را در مورد دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی شهر تهران انجام داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که درباره پوشش در مجامع عمومی، اغلب دانشجویان، مانتو و مقنعه و برای پوشش در مجامع مختلط غیررسمی استفاده از مانتو و روسری را برگزیده‌اند. بین متغیر پذیرش حجاب با گروه همسالان دانشجو، «دیگران» مهم وی و پذیرش ارزشهای دینی از سوی آنان و خودش رابطه مستقیم وجود دارد.

اسدی پویا و همکاران (۱۳۷۹) تحقیقی را با عنوان تعیین عوامل برانگیزاننده و بازدارنده گسترش فرهنگ حجاب در دانشگاه با نمونه ۲۲۷ دانشجوی دختر دانشگاه علوم پزشکی شیراز انجام دادند. هدف این پژوهش، یافتن علت‌های گرایش یا گریز از حجاب است تا بتوان در سایه آن با جایگزین کردن عوامل مؤثر و ایجاد رفتارهای مناسب با علت‌های گریز از حجاب و عدم تمایل به آن در دانشجویان مقابله کرد. طبق نتایج این پژوهش، علت‌های تمایل افراد به حجاب به ترتیب دستور دین، بالابردن ارزش خود، دوست داشتن حجاب، آرامش روان، در امان ماندن از نگاه نامحرم و سلامت جامعه آمده است. از سوی دیگر علت‌های عدم تمایل افراد به حجاب، ناباوری به حجاب، محیط خانواده، عدم شناخت چرایی حجاب و آراستگی ظاهر را می‌دانند. هم‌چنین نیلچی زاده (۱۳۷۹) در پژوهش طرح بررسی راهکارهای هنجارسازی و تقویت گرایش دانشجویان به

حجاب اسلامی با روش پیمایشی بین ۲۸۸۳ دانشجو به تحلیل متغیرها پرداخته است. در نتایج این تحقیق ضمن اینکه نمونه‌ها به ضرورت حجاب اسلامی تأکید دارد، بیشتر اینان دوستی دختر و پسر را در دانشگاه موجب تقویت و بهبود رفتارهای اجتماعی و از بین رفتن حساسیت نسبت به جنس مخالف می‌دانند.

نوآوری این مقاله پرداختن به چگونگی تربیت اسلامی دانشجویان در دانشگاه با توجه به دریافتهای آنان از ارزشهای اخلاقی همچون عفاف است؛ چنانکه تربیت، ارتباطی دو طرفه میان مربی و متربی است؛ پس دریافتها و نظر دانشجویان به مثابه متربی برای تنظیم بهینه فرایندهای تربیت مهم است. برای این کار بعد از بحث نظری تربیت اسلامی و ارتباط عقیفانه، که برگرفته از آموزه‌های اسلامی در پیوند با دانش ارتباطات است از یک سو به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری به عنوان مرجع تقلید مسئول جامعه اسلامی در مورد تربیت در دانشگاه و از سوی دیگر به درک، معنا و تفسیر دانشجویان از عفاف و بویژه پدیده رابطه با غیر همجنس در فضای دانشگاه پرداخته شد. بنابراین با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی، دریافت دانشجویان از ارتباط با غیر همجنس (نامحرم) به عنوان یکی از مهمترین عرصه‌های عفاف بررسی شد. در روش پدیدار شناسی مراجعه به بر ساخته‌های مرتبه اول از طریق مصاحبه‌های مبسوط، سبب راهیابی به فضای معنایی و ریشه‌های انگیزشی کنشگران و عاملان اجتماعی می‌شود و صورت‌بندی از کنشهای موجود در دانشگاه را با گشایش بیشتری همراه می‌سازد. برای همین، امکان سرایت آن به فرایندهای تربیت اسلامی ممکن می‌شود. در نتیجه به الگویی برای روشهای تربیتی پیشنهادی، که بر فرهنگ عفاف و حجاب و به وجود آمدن ارتباط عقیفانه اثر مستقیم و غیرمستقیم خواهد داشت، رسیدیم.

بنابراین مسئله اصلی که در این مقاله دنبال می‌شود، چگونگی تربیت اسلامی دانشجویان در دانشگاه برای برقراری ارتباط عقیفانه است. برای پاسخ به این سؤال، سؤالات ذیل مورد توجه قرار گرفت:

۱- تعریف تربیت اسلامی و ارتباط عقیفانه چیست؟

۲- دیدگاه مقام معظم رهبری در مورد تربیت در دانشگاه چیست؟

۳- دانشجویان چه دریافتی از ارتباط عقیفانه دارند؟

روش پژوهش

در چهارچوب مفهومی این مقاله با گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی - مقایسه‌ای، بعد از دستیابی به تعریفی از تربیت اسلامی و عفاف در دانش ارتباطات با نگاهی به سطوح ارتباطات انسانی در حوزه کلامی و غیر کلامی به آموزه‌ها و نظریه‌های دین مبین اسلام در منابع دست اول اسلامی اعم از قرآن و حدیث پرداخته شد؛ یعنی تمام آنچه در روابط زن و مرد اعم از نگاه، کلام، رفتار و پوشش درگیر است در نظام ارتباط عقیفانه قرار می‌گیرد.

با توجه به هدف این مطالعه، که آگاهی از درک و تصور دانشجویان از پدیده ارتباط با نامحرم در فضای دانشگاه است، انتخاب رویکردی اکتشافی بسیار مهم است؛ بنابراین روش این تحقیق، کیفی^۱ است. در پژوهش کیفی، مقصود اساساً تفسیر است و از دیدگاه پارادایمی، مبتنی بر پارادایم تفسیر گرایی - برساختگرایی اجتماعی است (محمدپور، ۱۳۹۲: ۹۳). در سنت پژوهش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی^۲ به گفتگو با دانشجویان پرداخته شد. براساس دیدگاه شوتز، که اول بار روش پدیدارشناسی فلسفی هوسرل را در خدمت مطالعات جامعه شناختی درآورد، تیبهای مطلوب دانشمند اجتماعی (برساخته مرتبه دوم) باید از گونه‌بندیهای روزمره (برساخته مرتبه اول) گرفته شود (بلیکی، ۱۳۸۴: ۱۵۶). از آنجا که انسانها به تجربه‌های خود معنا می‌بخشند و آنها را هم فردی و هم جمعی به آگاهی تبدیل می‌کنند با تحلیل پدیدارشناسانه به کشف فهم دانشجویان از ارتباط عقیفانه در میدان دانشگاه می‌پردازیم. روش پدیدارشناسی بدون در نظر گرفتن نظریه از پیش تعیین شده و در مراجعه به برساخته‌های تعامل میان ساختارها و عاملهای اجتماعی از طریق مصاحبه‌های مبسوط، سبب راهیابی به فضای معنایی و ریشه‌های انگیزشی کنشگران و عاملان اجتماعی می‌شود و صورت‌بندی و نمونه‌سازی از کنشها و دریافتها را در مورد پدیده ارتباط با غیر همجنس در دانشگاه، ممکن می‌سازد.

با توجه به موضوع مورد بررسی، که با تجربه افراد ارتباط دارد و از سویی موضوعی حساسیت برانگیز است، بهترین راه جمع‌آوری اطلاعات، گفتگو است. از این رو شیوه جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و باز بود و مصاحبه و نمونه‌گیری تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت

1 - quantity research

2 - phenomenology

(اشتراوس و کربن، ۱۹۹۸: ۵۶). شیوه نمونه‌گیری با روش نمونه‌گیری موارد مطلوب^۱ (گال و همکاران، ۱۳۹۰) از میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران^(۱) در دو جنس دختر و پسر، متأهل و مجرد، کارشناسی و کارشناسی ارشد، خوابگاهی و مقیم و در رشته‌های تحصیلی مختلف انجام شد. مطلوبیت نمونه از این جهت مورد اهمیت بود که دانشجویانی مورد مصاحبه قرار گیرند که به احکام اسلامی معتقد باشند و ظاهر غیر معمولی در جامعه نداشته باشند. ۳۰ نفر از دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های مختلف تهران دو ماه مورد مصاحبه نیمه ساختار یافته قرار گرفتند.

جدول ۱: تشریح ویژگی‌های نمونه‌ها

عوامل	جنسیت	رشته تحصیلی	اقامت	وضعیت تأهل	گروه سنی	مقطع تحصیلی
تعداد	۱۴ پسر	۱۲ علوم انسانی	۱۳ شهر ^(۲)	۹ متأهل	۹ (۱۸-۲۲)	۱۷ کارشناسی
	۱۶ دختر	۱۰ فنی - مهندسی	۱۷ خوابگاه	۲۱ مجرد	۱۸ (۲۲-۲۶)	۱۳ کارشناسی ارشد
		۴ هنر			۳ (۲۶ به بالا)	
		۴ پزشکی				

روش تحلیل داده‌ها در این مقاله، تحلیل مضمونی^۲ با شیوه شبکه مضامین است؛ بدین ترتیب تمام مصاحبه‌ها نگارش، و بعد شناسه‌های اولیه از آن استخراج شد. با ادامه غوطه‌وری در داده‌ها و جستجوی مستمر و مقایسه‌ای بین شناسه‌ها و توجه به همپوشانی آنها، شناسه‌های ثانویه یا همان شناسه‌های پایه استخراج شد. در مرحله بعد شناسه‌های پایه در کنار هم قرار گرفت و از هم‌نشینی آنها، شناسه‌های واسط و سپس شناسه‌های فراگیر استخراج شد (عابدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸۲). هم‌چنین به منظور کسب اعتبار داده‌ها، مصاحبه‌ها در اختیار یک پژوهشگر دیگر قرار گرفت که بیش از ۷۰ درصد شباهت بین شناسه‌گذارها وجود داشت.

1 - Intensity Sampling

2 - Thematic Analysis

یافته‌های پژوهش

پاسخ به سؤال اول: تعریف تربیت اسلامی و ارتباط عقیفانه

در رویکرد روانشناسی، تربیت عملی است عمدی و آگاهانه و دارای هدف از سوی فردی بالغ به منظور ساختن، پروردن و دگرگون کردن فرد. هم‌چنین تربیت، ایجاد تغییرات منظم برای رفتار فرد است (قائمی، ۱۳۶۵: ۲۴ و ۲۵). در رویکرد جامعه‌شناسی، تربیت، انتقال سنتها و آداب و رسوم و مهارتها و فرهنگ جامعه به اعضای جوانتر و یا انتقال میراث اجتماعی است (قائمی، ۱۳۶۵: ۲۵ و ۲۶). هم‌چنین در رویکرد آموزش و پرورش، تربیت را معادل فعالیتی در نظر می‌گیرند که طی آن جریان رشد فرد به صورت همه‌جانبه هدایت می‌شود؛ بنابراین اولاً، امری نهادینه و درونی است که در تعامل با محیط پیرامون، توان پذیرش رنگ و سرعت متفاوت را دارد. ثانیاً، رشد فرد در شش بُعد شناختی (عقلانی)، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی، ایمانی و جسمانی باید به صورت متعادل رخ دهد. ثالثاً، هدایت، جریان راهنمایی و کمک برای متوجه ساختن متربی است که تأثیر آن به نوع اراده فرد وابسته است (موسی پور، ۱۳۹۵: ۲۵).

با توجه به انسانشناسی اسلامی، انسان موجود خاکی برآمده از عرش است؛ بدین معنا که برای انسان دو شأن و مرتبه است: مرتبه جسمانی که منشأ آن عالم ناسوت، و جسم او را پدید آورده و مرتبه روحانی که منشأ آن روح الهی و عالم ملکوت است. خداوند نیز در آفرینش انسان، تمام امکانات و لوازم پیمودن مسیر عالی را در نهاد او قرار داد و نفس او را به خوبیها و بدیها مجهز ساخت و تمام ناپاکیها و تقوای نفس از آن پلیدیها، و به تعبیر دیگر سعادت و شقاوت و راه‌های آنها را به او شناساند^(۳) و آنگاه به او اختیار داد که چگونگی عبور از ورطه عالم دنیا را خود تعیین کند و هر راهی را برایش مهیا ساخت^(۴).

چگونگی عبور انسان از مسیر زندگی، تعیین کننده موقعیت دنیوی او در طیفی است که در یک سوی آن مقام خلیفه الهی^(۵) و سوی دیگر آن پست‌تر از حیوان شدن^(۶) و جایگاه اخروی آنها از بهشت رضوان^(۷) و حسن مآب^(۸) تا درک اسفل نار^(۹) و شر مآب^(۱۰) است. در عبور انسان از دنیا دشمنانی از درون^(۱۱) و بیرون^(۱۲) او را به غفلت از حقیقت و فرورفتن با فرورندگان در دنیا دعوت می‌کنند^(۱۳)؛ اما از سوی دیگر قوای بسیاری، انسان را به مقصود حقیقی و والای او دعوت می‌کنند. کتابهای آسمانی، پیامبران و معصومین، عقل، فطرت و... مهمترین اسباب هدایت و تربیت الهی

انسان هستند که خداوند برای انسان قرار داده است. هر دین و آیینی هدفی را برای زندگی انسان در نظر می‌گیرد و دستور و احکامی را برای رسیدن به سعادت به عنوان نقشه راه ترسیم می‌کند. در ادبیات دینی، چیزی به نام تربیت انسانها بر یکدیگر به معنی اجبار و فعلیت تام وجود ندارد؛ زیرا تربیت - به معنای پرورش همه جانبه - توسط کسی می‌تواند انجام شود که «از استعدادها و از کسریها و از دردها و درمانها و عوامل تربیتی آگاه باشد و قانونهای مؤثر را بشناسد... [از این رو] مربی انسان جز آفریدگار انسان نیست. رب، اوست و مربی، اوست» (صفایی حائری، ۱۳۸۲: ۵۲ و ۵۳). به همین دلیل قرآن کریم پیامبران را «منذر»، «بشیر»، «مزکی» و «هادی» می‌داند ولی آنان را مربی نمی‌نامد. از این رو در خانواده مطلوب، پدر و مادر می‌توانند مانند پیامبران عمل کنند و محیطی را برای تزکیه، هدایت و شکوفاشدن استعدادهای انسان فراهم آورند. تلاش پیامبران و اولیای الهی در این زمینه‌سازی با توجه به دستور دین، می‌تواند هدایتگری برای انسان باشد^(۱۴). هدف اصلی تربیت دینی، «شناخت و اعتراف به ربوبیت خدا و بریدن از ربوبیت غیر خدا و ثابت ماندن در این مسیر است» (مرتضوی، ۱۳۷۵: ۱۶). رکن اساسی در تربیت دینی «آزادی» و «استقلال» انسانهاست که تقریباً در تمام کتابهای تربیتی به آن اشاره شده است (ملکاوی، ۱۳۸۰: ۲۰۸)؛ به این معنی که انسانها باید کاملاً آزادانه مسیر خود را انتخاب کنند و در این راه باید از هر گونه اجبار پرهیز شود.^(۱۵)

عواملی که معمولاً در تعاریف با رویکرد اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد، ایجاد زمینه و رفع موانع، آگاهانه بودن تربیت، پرورش استعدادهای بالقوه، توجه به فطرت انسان، رشد همه جانبه و غایت تربیت است. بنابراین اختلاف کمی در تعاریف هست که برخی از تفاوتها شامل جریان شکل‌گیری شخصیت و فاعلیتهای مختلف در تربیت انسان همچون خانواده و مربی است. با توجه به این نکات می‌توان این تعریف را برای تربیت به عنوان تعریف مختار عنوان کرد: «فرایندی تعاملی و مستمر میان دو عامل انسانی (مربی و متربی) که از یک جهت زمینه‌سازی و اثرگذاری در راستای ربوبیت الهی و از سوی دیگر اثرپذیری و حرکت ارادی و آگاهانه برای به فعلیت رساندن همه‌جانبه و هماهنگ استعدادهای او در جهت رسیدن به حیات طیبه و کمال انسانی است».

موانع و آسیبهای فراوانی در مسیر تربیت هست که متربی را از حرکت باز می‌دارد. بنابراین یکی از کارکردهای اساسی مربی و دست‌اندرکاران تربیت، رفع موانع و پیشگیری از آسیبهای تربیتی است. از دیگر مسائل مهم تربیت، چگونگی رویارویی درست مربیان و دست‌اندرکاران

تربیت با متربی است. آنها بعد از شناخت قوتها و ضعفهای متربی و پی بردن به روحيات و خلییات او باید با استفاده از عوامل و شیوه‌های کارآمد و ارائه برنامه‌ها و دستورالعمل‌های ویژه با متربی ارتباط برقرار کنند و در حرکت درونی او تأثیرگذار باشند. در واقع ماهیت تربیت، بیشتر شخصی و فردی و نیازمند شیوه‌ها و برنامه‌های خاص است تا کلی و همراه با روشها و برنامه‌های عام. هم‌چنین ماهیت تربیت و باروری استعدادها، فرایندی زمانمند، مستمر و تدریجی است، نه پروژه‌ای مقطعی، شتابزده و دفعی؛ بنابراین برنامه‌ریزی برای تربیت نیز باید مستمر و تدریجی باشد.

طبق پژوهش خسروی و باقری در مورد نسبت روشهای تربیتی و درونی کردن ارزشهای اخلاقی بر مبنای ادراکی انسان (شناختی، گرایشی و رفتاری)، تبیین ارزشها و تشویق، دو روش صریح یا مستقیم برای درونی کردن است. تأکید بر شخصیت‌های اخلاقی و توجه دادن به سیره زندگی شخصیت‌های اخلاقی از جمله روشهای نیمه مستقیم در برانگیخته کردن احساسات و توجه متربی به رفتارهای اخلاقی است. روش دیگر بحث و گفتگوی گروهی است که روشی نیمه مستقیم برای فراهم آوردن مبنای شناختی و گرایشی در درونی کردن ارزشهاست. ویژگی مهم این روش این است که افراد هم سطح با هم درگیر فعالیتی فکری می‌شوند و می‌توانند ابعاد شناختی مسائل اخلاقی را با هم در میان بگذارند و دیدگاه یکدیگر را به چالش بخوانند. هم‌چنین راهبرد بحث و گفتگوی کلاسی در پی این است که دانشجویان را در فضایی تعارض‌آمیز در عرصه ارزشهای اخلاقی قرار دهد و دیدگاه‌های آنان را بدون محدودیتی از پیش تعیین‌شده در معرض بحث و تحلیل بگذارد. در این شیوه، مربی نقشی انتقادی دارد و دانشجو را به صراحت به بحث و مناظره کلاسی و استدلال در مسائل اخلاقی تشویق می‌کند. الگوپردازی عملی که در رفتار استادان انجام می‌شود به منزله شیوه‌ای نیمه مستقیم به کار گرفته می‌شود (خسروی و باقری، ۱۳۸۷). مسئولیت سپاری، روشی است که با فراهم کردن صحنه عمل برای متربی سبب درونی کردن ارزشها در بعد رفتاری - مهارتی می‌شود.

ارتباط عقیفانه

عفاف، ملکه دوری از گناه در زندگی مؤمن است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹: ۲۵۲) که در معنای خاص به پاکدامنی و غلبه عقل بر شهوت جنسی دلالت دارد (نراقی، ۱۳۷۷: ۲۴۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۵۷۳). همان‌طور که آیت‌الله مکارم شیرازی می‌نویسد: «عفت دارای مفهوم عام و خاص است. مفهوم عام آن خویشتن‌داری در برابر هرگونه تمایل افراطی و نفسانی است و مفهوم

خاص آن خویشتن‌داری در برابر تمایلات بی بند و باری جنسی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۸۳). ظهور عفت و حیا، که جزء جدایی‌ناپذیر دین و ایمان به شمار می‌رود (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۱۶۵) به زمان پیدایش آدم ابوالبشر بر روی زمین بر می‌گردد؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید ایشان زشتیهای خود را با برگ درختان پوشاندند (طه/۱۲۱).

ارتباط عقیفانه، گونه‌ای از ارتباط انسانی است که در این ارتباط، پیامی که موجب تحریک شهوت جنسی شود مگر در چارچوب شرع وجود ندارد. اگر ارتباط عقیفانه را در سطح میان فردی در نظر بگیریم در این ارتباط، طرفین ارتباط با در نظر گرفتن کرامت انسانی یکدیگر از هرگونه پیامی که معنایی از شهوت جنسی را برانگیزاند و موجب تحریک شهوت جنسی شود مگر در چارچوب دین، پرهیز می‌کنند و این ارتباط مقوم شخصیت و احترام طرفین خواهد بود؛ حتی در ارتباط زناشویی هم ارتباط عفاف‌گونه به معنای رابطه جنسی بین دو انسان وجود خواهد داشت؛ چنانکه دستور دینی در مورد رابطه زناشویی وجود دارد.

بنابراین «ارتباط عقیفانه مبادله معنا بین فرستنده و گیرنده براساس کرامت انسانی است به گونه‌ای که معنایی از شهوت که موجب تحریک شهوت جنسی شود در دو سوی ارتباط مگر در چارچوب دستور دین، برانگیخته نشده، و به وجود نیامده باشد». با توجه به این تعریف، مفهوم عفاف در ارتباطات با دو عنصر پیام (کلام و رفتار) و معنا گره می‌خورد و اگر بخواهیم این تعریف را به طور خلاصه بیان کنیم: حاکمیت عفاف در ارتباطات انسانی سبب عدم ارسال و دریافت پیام شهوت‌انگیز مگر در چارچوب ارزشها و هنجارهای دینی می‌شود.

در نگاه نشانه‌شناختی، مجموعه دستور دین اسلام در مورد عفاف، نظام ارتباط عقیفانه را در زندگی انسان به وجود می‌آورد که می‌توانیم با تقسیم‌بندی ارتباطات به ارتباطات کلامی و غیرکلامی به وجوه مختلف عفاف اشاره کنیم. این شاخصها با بررسی سه پژوهش رشکیانی (۱۳۹۳)، باهنر و علم‌الهدی (۱۳۹۲) و علم‌الهدی (۱۳۹۱) به دست آمده است:

ارتباطات کلامی: ۱ - محتوای سخن و کلام سالم ۲ - نبودن شوخی بین نامحرمان (محتوا و قالب بیانی) ۳ - سخن گفتن با نامحرم در حد ضرورت

ارتباطات غیرکلامی: ۴ - حجاب زن ۵ - پوشش مناسب مرد ۶ - غیرت مرد ۷ - کنترل نگاه در برخورد با نامحرم (ارتباط رو در رو، عکس، فیلم) ۸ - کنترل فکر از افکار آلوده ۹ - عدم خودارضایی ۱۰ - پرهیز از نازکی صدای (ناز و کرشمه) زن در ارتباط با نامحرم ۱۱ - پرهیز از بلند

خندیدن بین نامحرمان ۱۲ - راه رفتن زن همراه با وقار و طمأنینه ۱۳ - عدم نمایش زینت زنانه و تبرج در جامعه ۱۴ - پرهیز از انس و صمیمیت با نامحرم ۱۵ - پرهیز از خلوت و ارتباط خصوصی با نامحرم ۱۶ - تقلید نکردن از الگوهای رفتاری غیر همجنس ۱۷ - استفاده نکردن از عطر تحریک کننده در برخورد با نامحرم ۱۸ - نشنیدن موسیقی‌های تحریک کننده ۱۹ - کسب اجازه در ورود به خلوت دیگری (استیذان) ۲۰ - عدم اختلاط نامحرمان در مکانهای عمومی ۲۱ - برقرار نکردن تماس جسمی با نامحرمان ۲۲ - رقص همسر برای همسر ۲۳ - ازدواج دائم ۲۴ - ازدواج موقت

همه این دستورات در کنار هم عفاف را به وجود می‌آورد.

میدان دانشگاه

مفهوم میدان را شاید بتوان جایگزین مفاهیمی چون گروه‌ها، نهادها و سازمانها قرار داد. میدانها، فضاهای زندگی اجتماعی است که بتدریج از یکدیگر مستقل شده، و در فرایند تاریخی بر محور روابط اجتماعی و نتایج ویژه شکل گرفته است (توسلی، ۱۳۸۳: ۲۳). بوردیو در تعریف این مفهوم چنین بیان می‌کند: «میدان، شبکه یا منظومه‌ای است از روابط عینی میان موقعیت‌هایی که از طریق وضعیت کنونی و بالقوه آنها به عاملان و نهادها و دارندگان، خود را تحمیل می‌کند و به صورت عینی قابل تعریف است. این تحمیل به دلیل ساختار توزیع قدرت یا سرمایه، که تصاحب آن موجب دسترسی به منابع خاصی می‌شود در این میدان محل نزاع است و هم‌چنین از طریق روابط عینی آنها با سایر موقعیت‌ها صورت می‌پذیرد» (شوارتز، ۱۹۹۷: ۱۱۵)؛ به عبارت دیگر، میدان در نظریه بوردیو پهنه اجتماعی کمابیش محدودی است که در آن تعداد زیادی از بازیگران یا کنشگران اجتماعی با عادتواره‌های تعریف شده و توانایی‌های سرمایه‌ای^(۱۶) وارد عمل می‌شوند و به رقابت، همگرایی یا مبارزه با یکدیگر می‌پردازند (فکوهی، ۱۳۸۴).

دانشگاه به عنوان یکی از مکانهای با فرهنگ خاص خود، که همان فرهنگ علمی باشد، سبب به وجود آمدن ارتباطات افراد با شرایط دیگری غیر از ارتباطات انسانها در غیر از مکان دانشگاه می‌شود. افراد در این ارتباطات سعی بر افزایش دانش خود دارند و این کارکرد بر گونه‌های دیگر ارتباطات انسانی غلبه دارد. سایه این فرهنگ خاص بر ارتباطات انسانی را فضای ارتباطی می‌خوانیم که همان حس مکان است.

پژوهشها نشان می‌دهد که انسانها بر اساس نقشها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل، عناصر

کالبدی محیط شامل پیامها، معانی و رمزها را رمزگشایی و درک می‌کنند و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند. این حس کلی، که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید، حس مکان^۱ نامیده می‌شود (بوت، کانتریل و مایر، ۲۰۰۳) که به عنوان عاملی مهم در هماهنگی فرد و محیط باعث بهره‌برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده‌کنندگان، احساس تعلق آنها به محیط و تداوم حضور در آن می‌شود و بر ارتباطات انسانی در محیط هم مؤثر است. از نگاه پدیدارشناسان، حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان به واسطه درک نمادها و فعالیتهای روزمره است. این حس می‌تواند در مکان زندگی فرد به وجود آید و با گذر زمان عمق و گسترش یابد (رلف، ۱۹۷۶). ارزشهای فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان تأثیر می‌گذارد و حس مکان نیز بر ارزشها و نگرشها و بویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در مکان تأثیر می‌گذارد و افراد معمولاً در فعالیتهای اجتماعی با توجه به چگونگی حس مکانشان شرکت می‌کنند (سنتر، ۱۹۷۱).

دانشگاه، میدان کنشهای اجتماعی دانشجویان در ارتباط با یکدیگر است. انسان دانشگاهی در تعامل با دیگران در میدان دانشگاه به دنبال مصرف و تولید دانش در فرایندهای آموزشی و پژوهشی است. همه نظام دانشگاه برای همین هدف از نظم ارگانیک برخوردار است به گونه‌ای که حتی قوانین انضباطی دانشگاه نیز زمینه ارتباطات دانشگاهی را فراهم می‌کند. هنجارهای اسلامی همچون ارتباط عفیفانه در دستیابی به کارکرد دانشگاه، که مورد نظر دین اسلام هم هست، کمک می‌کند و دانشجو، میدان دانشگاه را محل تعلیم و تربیت خود می‌داند و همه کنشهایش را برای رشد علمی و معنوی تنظیم می‌کند. بنابراین در نگاه تربیت اسلامی، دانشگاه صرفاً محیطی علمی تعریف نمی‌شود، بلکه اتفاقاً محیطی معنوی همراه با ارزشهای اسلامی در نظر گرفته می‌شود. ارتباط عفیفانه، کنشی میان دانشجویان است که با توجه به کرامت انسان موجب در نظر گرفتن اهداف حضور در میدان دانشگاه و ارتباطات علمی میان ایشان می‌شود؛ به عبارت دیگر ارتباط عفیفانه در کنشهای دانشجویان آسانگر ارتباطات دانشگاهی است که منظور از عمل در میدان دانشگاه را شامل می‌شود؛ پس ارتباط عفیفانه سبب عدم شکل‌گیری ارتباطاتی بین دانشجویان براساس توجه به تمایلات جنسی می‌شود که مختل‌کننده ارتباطات دانشگاهی است.

پاسخ به سؤال دوم: دیدگاه مقام معظم رهبری به تربیت در دانشگاه

در این قسمت سخنان مقام معظم رهبری به عنوان مرجع دینی مسئول و حاکم بر جامعه اسلامی در ده سال گذشته (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴) با دانشجویان، استادان و مسئولان آموزش عالی و وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، جمع‌آوری شد و با شیوه تحلیل مضمون مورد تحلیل قرار گرفت تا الگوی هنجاری تربیت دانشجو در نگاه ایشان مشخص شود. در ابتدا اندیشه‌های ایشان در پنج سال اخیر شناسه‌گذاری، و ربط‌ها مشخص شد؛ سپس در پنج سال دوم تعداد کمی داده جدید استخراج شد که بیشتر داده‌ها بویژه در سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ تکراری بود به صورتی که اشباع داده‌ای به دست آمد.

با توجه به مقوله‌بندی بیانات مقام معظم رهبری در مورد تربیت در دانشگاه، دیدگاه ایشان نسبت به ضرورت سیاست‌گذاری برای این امر کاملاً روشن شد. نکته مهم در این زمینه، توجه به ضرورت زمینه‌سازی رشد معنوی جوان دانشجو در دانشگاه با توجه به پاکی دل و آمادگی برای کسب معنویت در دوران جوانی است. بنابراین دانشگاه جمهوری اسلامی ایران، مرکز معنویت است و رشد علمی را در پرتوی رشد دینی و انقلابی دنبال می‌کند. این امر با توجه به چهار عامل انسانی قابل پیگیری است. این عوامل با تأکید بر اثرگذاری به ترتیب شامل استادان دانشگاه که شامل فضایی جوان حوزه علمیه و استادان معارف اسلامی هم می‌شود، تشکلهای دانشجویی، مسئولان دانشگاه و خود دانشجو هستند که برای هر کدام با حذف موارد تکراری به روشهای ایجابی و سلبی دست یافتیم.

جدول ۲: الگوی اندیشه مقام معظم رهبری در مورد تربیت دانشجو در دانشگاه

روشهای زمینه‌ساز عاملان در دانشگاه	روشهای ایجابی	روشهای سلبی
استاد	تقویت روحیه و شخصیت معنوی دانشجو ضمن پاسخگویی به مشکلات علمی و برخورد دلسوزانه با او هوشمندی و تکیه بر معلومات عمیق و به روز شده	عدم تزریق ناامیدی از آینده کشور به دانشجو
تشکلهای دانشجویی	به‌کارگیری رویکردها و حرفهای نو در اندیشه دینی کرسبهای آزاد اندیشی برای ارتقای استدلال و تفکر در دانشجو توجه به استادان ارزشی فعالیت دانشجویها در برنامه‌های هنری: تئاتر دانشجویی، طنز، کاریکاتور، سرود، نشریه صوتی، شعر، اقناع فکری راه اندازی جلسات بحث و مطالعه با استفاده از کتابهای استاد مطهری و دیگر کتابهای اعتقادی	کنار زدن استادان نامطمئن نسبت به انقلاب اسلامی در شکل‌ها
مسئولین دانشگاه	حمایت از استادان ارزشی و انقلابی حمایت از تشکلهای دانشجویی انقلابی بکارگیری از فضایی جوان در حوزه‌های علمیه	دور نگهداشتن محیط دانشگاه از حاشیه‌سازی‌های سیاسی و فرهنگی جلوگیری از برنامه‌های ضد ارزشی: اردوی مختلط، کنسرت موسیقی
دانشجو	ارتقای معنویت خود در انس با عبادات، قرآن، دعا و واجبات دینی ارتقای بینش و معرفت دینی در جلسات بحث و مطالعه، استفاده از فضایی جوان حوزوی، استفاده از استادان ارزشی کار تشکیلاتی در کنار کار علمی پرداختن به فرائض دانشجویی: آرمانگرایی، تکلیف‌گرایی، احیای تمدن اسلامی، حفظ تشکلهای دانشجویی، هوشیاری در برابر دشمن، مبارزه با نظام استکبار، افسری جنگ نرم، تلاش برای پیشرفت کشور، عدالت خواهی، آزادی‌خواهی، سبک زندگی اسلامی، ایجاد دانشگاه اسلامی، رشد علمی، کار و تلاش، رشد سیاسی و قدرت تحلیل مسائل، تقویت و گسترش قدرت تفکر، تشکیل جلسات فکری با حوزویان	پرهیز از گناه عدم وقت‌گذرانی بیهوده در فضای مجازی

پاسخ به سؤال سوم: دریافت دانشجویان از ارتباط با غیرهمجنس

نتایج مصاحبه‌های کیفی عمیق نشان می‌دهد که پدیده ارتباط با نامحرم در میدان دانشگاه در انواع متفاوتی فهمیده می‌شود و در روابط میان افراد بروز پیدا می‌کند. تحلیل شبکه‌ای مضامین از

درک و تفسیر سوژه‌ها از این پدیده، ما را در ارائه دسته‌بندی که بتواند جوانب مختلف ارتباط با غیرهمجنس را در میدان دانشگاه در برگیرد، رهنمون ساخت که در ادامه به صورت گسترده بدان پرداخته می‌شود. بنابراین با توجه به شناسه‌های فراگیر به توصیف شناسه‌های سازمان‌دهنده و پایه می‌پردازیم.

دانشجوی عقیف و سالم

در نگاه دانشجویان اشتراک نظر در مورد دانشجوی عقیف در روابط با غیرهمجنس و رفتارهای سالم دیده می‌شود؛ هرچند تفاوت‌هایی بین دختر و پسر در این ویژگی‌ها وجود دارد؛ بنابراین ویژگی‌های عام را از ویژگی‌های خاص هر کدام از دو جنس جدا کردیم. از جمله ویژگی‌هایی که برای زن و مرد اشاره شده است، بیش صحیح در مورد عفاف، وجود رابطه رسمی بین زن و مرد، پوشش مناسب توسط همه، شوخی بین غیرهمجنسان متناسب با هنجارهای دینی، اهمیت اخلاق اجتماعی، معیار سالم بودن با توجه به انگیزه ارتباط، عدم تلاش برای برقراری روابط صمیمانه است.

الف. رفتارهای سالم پسران

عفاف در پسران هم بسیار مورد توجه دانشجویان بود و از اینکه کمتر به آن توجه می‌شود یا ضوابط انضباطی برای آن مقرر نمی‌شود شکایت داشتند؛ از جمله نمونه‌ها می‌توان به: پوشش مناسب و عدم پوشیدن لباس تنگ، کنترل نگاه از سوی مردان، صحبت کردن با احترام، نبودن رفتارهای محرک در برابر نامحرم، اشاره کرد.

به نظر می‌رسد از جهت امنیت روانی و اخلاقی، پوشش مناسب پسران مورد تأکید دختران است. نفر ۱، خانم^۱ ۲۵ ساله، می‌گفت: «البته پوشش آقایان هم بسیار مهم است، خوشبختانه در دانشگاه ما آقایون اجازه پوشیدن لباسهای تنگ نداشتند.» نفر ۷، دختر ۲۸ ساله به بی‌توجهی جامعه نسبت به پوشش مردان انتقاد می‌کند «متأسفانه جامعه ما حجاب رو فقط برای خانمها می‌دانند نه آقایون».

ب. رفتارهای سالم دختران

از جمله ویژگی‌هایی که دانشجویان برای رفتار سالم دختران برشمردند، می‌توان به این موارد

۱ - در جهت امانت‌داری فقط شماره افراد آورده می‌شود و با اشاره به خانم یا مرد منظور تأهل و در اشاره به دختر و پسر منظور مجرد بودن است.

اشاره کرد: چادری بودن، مانتویی با حجاب کامل، اهل برقراری ارتباط با پسرها نباشد، پوشش مناسب برای احساس امنیت، حرف زدن به صورت جدی و وجود رابطه رسمی با پسرها، متانت زن در برابر نامحرم همراه با شخصیت معنوی، عدم جلوه گری و زینت در جامعه.

به طور معمول دانشجویان پوشش مناسب را لزوما چادر نمی دانند و درک مشترکی از عدم تبرج و پوشش با مقنعه و مانتو دارند. نفر ۱، خانم ۲۵ ساله، می گفت: «خانمی که پوشش مناسبی در دانشگاه دارد (دانشجوی سالمی است)، ... پوشش خانمها حتما نباید چادر باشد و بسیاری از خانمها با یک مانتو و مقنعه براحتی حجاب خود را حفظ می کنند و باید اوامر خداوند در قران در مورد حجاب رعایت شود... خانمی که اهل هیاهو و برقراری روابط با پسرها در دانشگاه نیست، خانمی که خیلی راحت با آقایون رابطه برقرار نمی کند به نظر من سالم است.»

یکی از مهمترین لوازم عفت و حیا، غرور فرد است که می تواند برآمده از شخصیت معنوی فرد باشد. غرور سبب متانت در رفتار و گفتار می شود. نفر ۱۶، پسر ۲۵ ساله، می گفت: «به نظر من یک شخص عقیف شخصی است که پاکدامن باشد و بتواند اون غرور شخصیت معنوی خودش را حفظ کند؛ یعنی اینکه کارهایی مثل زیبا و جذاب نشان دادن خودش جلو نامحرم را نشان نمی دهد و خودش و شخصیتش را جلوی نامحرم نگه می دارد.»

روابط دوستی با غیر همجنس در دانشگاه

یکی از مهمترین شناسه های فراگیر در مصاحبه های دانشجویان، توجه به روابط دوستی بود. دانشجویان ضمن تأیید رابطه علمی و رد محدودیت مطلق در روابط بین جنسیتی به حفظ هنجارهای اجتماعی نیز تأکید کردند. دانسته های آنان در مورد رابطه دوستی سه شناسه سازمان دهنده را به وجود آورد که شامل شناسه های پایه بسیار است.

الف. اصل روابط دوستی با غیر همجنس

برای بسیاری از دانشجویان دختر و پسر، اصل روابط دوستی با غیرهمجنس با در نظر گرفتن فواید آن قابل توجیه می شود؛ مثلا یادگیری مهارت های اجتماعی در ارتباط با دیگران از جمله فوایدی است که در موارد زیادی بویژه از سوی دختران مورد اشاره قرار گرفت. نفر ۴، دختر ۲۶ ساله: «به نظر من رابطه دختر و پسر بسیار خوب است؛ اگر چارچوبها مشخص شده باشد؛ یعنی طرفین پایشان را از حد مشخص شده فراتر نگذارند. به نظر من این خیلی هم خوب است که دختران و پسران طریقه اجتماعی شدن را بخوبی یاد بگیرند.» البته رابطه صمیمانه می تواند معیاری برای

رابطه سالم و ناسالم در دوستیها باشد که مورد توجه نفر ۴، دختر ۲۶ ساله قرار گرفت. نفر ۷، دختر ۲۸ ساله، هم ضمن تأیید روابط براساس نیاز علمی، روابط دختر و پسر دانشجو خارج از میدان دانشگاه و کارکردهای علمی را درست نمی‌داند: «یک سری روابط هست که فقط در حد بررسی درسها و تحقیقها است و فقط در دانشگاه است که این مورد مشکلی ندارد ولی اگر از این فراتر باشد و صحبت‌هایی بین دختر و پسر باشد که از حد دانشگاه فراتر باشد، صحیح نیست.»

ب. انگیزه و شروع رابطه دوستی با غیرهمجنس

منظور از انگیزه رابطه دوستی با غیرهمجنس، وجود هدفها یا نیازهایی است که در فرد باعث گرایش به دیگری غیرهمجنس می‌شود؛ از جمله انگیزه‌هایی که مورد اشاره دانشجویان بود، وجود انگیزه دوستی برای پسرها، انگیزه ازدواج دخترها برای ورود به دانشگاه، انگیزه ازدواج پسرهای شهرستانهای کوچک، کسب مهارت‌های روابط اجتماعی، رهایی از قیدهای خانواده بویژه برای دخترها، کسب جایگاه اجتماعی برای دخترها، دوری از خانواده و نیاز به محبت برای دانشجویان خوابگاهی، کسب تجربه برای پسرها، توجه به جلب نظر دختران زیبا از سوی پسرها، حس رقابت بین پسرها در دوستی با دخترها.

بسیاری از دخترها و پسرهای دانشجو بر این باور هستند که یکی از مهمترین انگیزه‌های ورود خیلی از افراد به دانشگاه بویژه برای دخترها امکان ازدواج است؛ خصوصاً اینکه دانشجو احساس ازدواج با موردهای دلخواه و خارج از سلیقه‌های خانواده را می‌کند. نفر ۲، دختر ۲۲ ساله، ضمن تأیید رابطه دوستی به عنوان رابطه خصوصی آن را مقدمه لازم ازدواج می‌داند: «هر کاری کنیم روابط خصوصی میان جوانان وجود دارد و نباید جلوی جوانان گرفته شود. بالاخره هر جوانی باید یک جایی زوج خودش را پیدا کند و چه بهتر که در محیط دانشگاه باشد.»

از دیگر انگیزه‌های ورود به دانشگاه بویژه برای دخترها دستیابی به منزلت اجتماعی است. به نظر می‌رسد بسیاری از دختران بویژه در شهرستانهای کوچک به دنبال رهایی از حصارهای حضور اجتماعی برساخت شده از سوی خانواده است تا بتوانند هویت اجتماعی خود را بازسازی، و حتی مهارت‌های روابط اجتماعی را کسب کنند؛ بدین دلیل ارتباط با پسرها و مردان یکی از مهمترین عوامل گفته شده از سوی دختران برای اجتماعی شدن است؛ به طور نمونه نفر ۱، خانم ۲۵ ساله، می‌گفت: «به هر حال وارد شدن در دانشگاه بجز کارهای علمی، اثرهایی در اجتماعی شدن دارد

خصوصاً برای دخترهایی که با محدودیتهایی در خانواده‌هاشون روبه‌رو بودند و حالا چه اشکالی دارد که طبق نظر اسلام دختر و پسر با هم مباحث علمی داشته باشند. دختری که بلد است با پسرها چگونه ارتباط برقرار کند، خیلی اجتماعیتر از دختری است که دست و پایش را گم می‌کند. چیزی که در اوایل ورودم به دانشگاه بودم (با حرص و پشیمانی)».

دوری از خانواده و وجود نیاز محبت در دانشجویهای بویژه شهرستانی، باعث گرایش به سمت دوستی با غیرهمجنس می‌شود. نفر ۱، خانم ۲۵ ساله: «در دوران دانشگاه به خصوص خانمها و آقایون خوابگاهی در معرض تهدیدات بسیاری قرار می‌گیرند و به دلیل دوری از خانواده‌هایشان برای جبران خلأ محبتی خود با دختران یا پسران دوست می‌شوند.»

نفر ۲۳، مرد ۲۷ ساله، از سرگرمی پسران در دوستی با دختران پرده برداشت: «در دوستیها، دخترها هزینه‌های مهمی می‌پردازند بویژه اینکه به تجربه رابطه جنسی برسد؛ اما پسرها هزینه که نمی‌پردازند هیچ بلکه در نگاه خودشان اتفاقاً دارند تجربه کسب می‌کنند. زیبایی هم بیشتر برای پسرها مهم است و واقعا برای جلب نظر دختر زیبا تلاش می‌کنند... پسرها اتفاقاً در جمع دوستان این را امتیاز برای خودشان می‌دانند که توانسته‌اند تجربه بیشتری داشته باشند.»

ج. تداوم و صمیمیت در روابط دوستی

اگر محیط دانشگاه، فضایی برای شروع دوستی بین دختر و پسر باشد، امکان انتقال این روابط به صورت صمیمانه‌تر و مداوم به محیط‌های خارج از دانشگاه وجود دارد. نفر ۱، خانم ۲۵ ساله، می‌گفت: «روابط دختر و پسر در دانشگاه صرفاً باید علمی باشد و اگر فراتر از این باشد، اصلاً صحیح نیست؛ به عنوان مثال بنده شاهد بودم که خیلی راحت دختر و پسر با هم قرار می‌گذاشتند و به پارک و کوه و... می‌رفتند. نفر ۳، دختر ۲۲ ساله، هم روابط صمیمانه در دانشگاه را به دلیل همسن و سال بودن دانشجویهای همکلاس متزلزل، و حد آن را به اندازه مبادله جزوه و هم‌کلاسی بودن می‌داند: «درون دانشگاه ما با هم سن و سالهای خودمان می‌آییم. من با آدمهای هم سن و سال خودم نمی‌توانم دوست باشم. حتماً باید بزرگتر باشد. چون نمی‌شود روابط را حفظ کرد؛ پس دوست بودن با هم سن و سال خود متزلزل است؛ نمی‌ماند؛ پس در دانشگاه این کار را نکنیم بهتر است. همان در حد جزوه دادن و هم‌کلاسی بودن بهتر است بماند.»

دخترها به دلیل هزینه‌های عاطفی و شاید جسمی که بابت دوستی می‌دهند، بعد از شروع روابط صمیمانه، بیش از پسرها دنبال تداوم ارتباط دوستی خود با یک پسر هستند و قطع دوستی برای آنها

گران تمام می‌شود. نفر ۲۳، مرد ۲۷ ساله: «واقعا اهداف متفاوت است. دخترها اهداف بلند مدت تری نسبت به پسرها در این دوست‌یابیها دارند؛ چون دخترها در قبال این دوستی‌شان هزینه جدی‌ای می‌پردازند اما پسرها هزینه نمی‌پردازند.»

ارتباط غیرعقیفانه در دانشگاه

الف. زمینه‌های ارتباط غیرعقیفانه در دانشگاه

در مورد پدیده ارتباط غیرعقیفانه در دانشگاه، برخی از عوامل به مثابه زمینه‌های بروز رفتارها و ارتباطات غیرعقیفانه شناخته می‌شود که مورد توجه دانشجویان بود. مهمترین زمینه‌های ارتباط غیرعقیفانه، خود کم بینی دختران محجبه، رقابت دختران برای جلب توجه دیگران غیرهمجنس، قدرت ارتباطی دختران غیرمحجبه در کلاس، تلاش دختران محجبه و شهرستانی برای رهایی از انزوا، سطحی‌نگری پسرهای از طبقه پایین اجتماعی، تفکیک جنسیتی کلاسها و حریص شدن پسر و دختر نسبت به هم، زمینه خوابگاهی بودن و دور بودن از خانواده (دخترها)، وجود افراد پرخطر در خوابگاه‌ها، انعکاس روابط آزاد جامعه در دانشگاه، غریبه و گمنام بودن در دانشگاه محل اقامت، وجود ارتباط مداوم با غیرهمجنس در محیط دانشگاه، وجود کلاسهای مختلط در دانشگاه.

فاصله قدرت دختر محجبه نسبت به دخترانی که در ارتباطات خود بی پروا هستند، سبب نوعی حجاب‌گریزی برای خروج از انزوا می‌شود. نفر ۱، دختر ۲۵ ساله: «متأسفانه دختران محجبه یا با حجاب معمولی در ارتباط با دختران بدحجاب، خودشان را دست پایین می‌گیرند و احساس ضعف و سر خوردگی می‌کنند و بیشتر از آنها تأثیر می‌پذیرند و سعی می‌کنند که خودشان را مثل آنها کنند تا مورد توجه قرار بگیرند و افراد بیشتری را به سمت خودشان جلب کنند و این احساس ضعف به حجاب‌گریزی آنها منجر می‌شود.» حتی شوهران این دختران هم نمی‌توانند انزوای محجبه بودن را تحمل کنند. نفر ۱ ادامه می‌دهد: «من دوستانی داشتم که خودشان محجبه بودند، همسرانشان به آنها می‌گفتند که اگر چادر داشته باشند، خجالت می‌کشند و وقتی در جمع حاضر می‌شوی، باید پوشش و آرایش داشته باشی تا به فلان مهمانی برویم.»

یکی از زمینه‌های ارتباط غیرعقیفانه، دوستی با همجنسانی است که در روابط خود با دیگران بی‌قید و بند هستند و هنجارهای اجتماعی را رعایت نمی‌کنند. این رابطه می‌تواند فردی را که اساساً از روابط غیرعقیفانه گریزان است، دچار ناهنجاریهای خاص کند. نفر ۱۰، دختر ۲۳ ساله، می‌گفت: «اگر من با دختری دوست باشم که بدانم با پسرها ارتباط دارد و در جامعه فساد ایجاد می‌کند، این

خود باعث می‌شود تا در اخلاق و رفتار من تأثیر می‌گذارد و همیشه هم گفته‌اند بین دوست طرف کیست و بعداً با او ارتباط برقرار کن و به همین دلیل من همیشه باید در روابط با همجنس خودم ضوابط را رعایت کنم.»

ساده لوحی دانشجویان از شهرستانهای کوچک^۱ در ارتباط‌گیری با غیرهمجنسان زمینه دیگری است که ایشان را وارد روابط پرخطر می‌کرد. نفر ۲۳، مرد ۲۷ ساله: «شهرستانی‌ها تا به حال با این صحنه‌ها روبه‌رو نشده بودند و موقعیت ارتباط راحت با دیگری برایشان فراهم نبود؛ برای همین اغلب می‌بینیم که برای ارتباط با نامحرم خیلی ساده‌اند و در برخی مواقع دخترها هم ایشان را دست می‌اندازند.» هم‌چنین فکر دانشجویان در این روابط مشغول می‌شود و از کارکردهای علمی دوره تحصیلی خود باز می‌مانند. نفر ۳، دختر ۲۲ ساله: «فکر می‌کنم کاملاً مدیریت کار خانمها است، دختران و زنان بخوبی می‌توانند مدیریت کنند. آقایان تا حدودی سطحی‌نگر هستند و عمق فاجعه را (در ارتباط دوستی) درک نمی‌کنند.»

ب. رفتارهای جلب توجه کننده

رفتارهایی که باعث جلب توجه دیگری غیرهمجنس می‌شود و می‌تواند شروعی بر ارتباط غیرعقیدانه باشد که معمولاً این رفتارها در اشتراک ذهنی افراد قرار دارد؛ از جمله رفتارهای مورد توجه دانشجویان، خندیدن دختران با صدای بلند، خنده‌های بلند پسران در جلوی دختران، تغییر تن صدای دختر، اشاره دختر برای شروع دوستی با پسر، وقتی دختر یک پسر دانشجو را زیاد مورد خطاب قرار دهد، وقتی دختر لبخندی به دانشجوی پسر زده باشد، وقتی دختر همزبانی و همفکری با دانشجوی پسر کند، تقاضاهای ساده‌لوحانه از سوی دانشجویان مهاجر از شهرهای کوچک، خطاب قرار دادن با اسم کوچک و ضمیر مفرد، بیرون انداختن موهای رنگ شده توسط دختر، دست دادن دخترها و پسرها در احوالپرسی، اجزای خاص پوشش زن، کمربند ماتو، پوشش خاص برای جلب توجه غیرهمجنس، ماتوی قرمز، رفتارهای آرام دختر برای جلب توجه پسر، شلوغ بازی پسر برای جلب توجه دختر، بحث از اطلاعات خصوصی و شخصی، برخورد اول در تمایل به ارتباط صمیمانه.

نفر ۲۳، مرد ۲۷ ساله ضمن توجه به اشاره‌های دختر برای شروع رابطه دوستی می‌گفت: «نگاه

۱ - منظور دانشجویانی از طبقه اجتماعی پایین‌تر است.

اولیه را خود دختر ایجاد می‌کند که به هر حال می‌گه بیا، وقتی پسر از یه دختر لبخند ببینه یا اینکه زیاد مورد خطاب اون دختر باشد یا حتی در بحثهای کلاس پسره ببینه که یک دختر زیاد همزبان و همفکر او می‌شود و او را تأیید می‌کند، روی پسر خیلی تأثیر دارد و برعکس آن کمتر دیدم اتفاق بیفتد که پسرها در مباحث کلاس، دختری را تأیید کنند، کمتر نظر او را توانسته‌اند جلب کنند.»

هم‌چنین مدل خطاب قراردادن دختر و پسرها در روابط فردی و جمعی موجب جلب توجه ایشان در ایجاد ارتباط صمیمانه می‌شود. نفر ۲۳، مرد ۲۷ ساله: «بعد از مدتی در کنار هم بودن، «شما گفتن» به «تو گفتن» تبدیل می‌شود و بعد با اسم کوچک همدیگر را صدا می‌زنند به خصوص اینکه جمع دانشجویان کلاس حالت شادی با هم داشته باشند.» وی توضیح می‌دهد که پسرها چگونه دخترها را جلب می‌کنند: «پسرها وقتی می‌خواهند کسی را پیدا کنند، خیلی مشخص است. سر کلاس شلوغ بازی می‌کند، طنزبازی می‌کند و به قول معروف سیرک کلاس می‌شود. سعی می‌کند که دختر را بخنداند یا در صحبت‌اش بپرد یا یه جوری جلبش کند.»

نفر ۴، دختر ۲۶ ساله بر به اشتراک گذاشتن اسرار شخصی در ارتباطات ناسالم بین دخترها و پسرها تأکید داشت که جالب توجه بیشتر دانشجویهاست: «مشخصاً وقتی وارد دانشگاه شوید، همه چیز در حوزه علمی است؛ یعنی محدوده مشخص است که رابطه کاملاً باید علمی باشد؛ یعنی اگر رابطه به نظر من در حوزه‌های فراتر از این رود یعنی در حوزه‌های شخصی و خصوصی، فکر می‌کنم این آغازی است برای شکل‌گیری رابطه ناسالم.»

ج. رفتارهای متهورانه

رفتارهایی که برآمده از نیازهای جنسی یا اشاره به رابطه جنسی دارد، موجب آزار و اذیت دیگری غیرهمجنس می‌شود و به کلیشه‌های جنسی هر یک از طرفین ارتباط اشاره دارد. این رفتارهای متهورانه و بیشرمانه به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱- رفتار متهورانه‌ای که با رضایت طرفین انجام می‌شود. ۲- رفتار متهورانه‌ای که موجب آزار یکی از طرفین می‌شود.

از جمله رفتارهای بی‌شرمانه با رضایت، تماس جسمی دختر و پسر با یکدیگر است و رفتارهای بیشرمانه بدون رضایت، شلوار تنگ و لباسهای کوتاه پسران، مدل موی غربی پسران، آرایش دختران در فضای دانشگاه، همجنس بازی در خوابگاه‌ها، مریضی اخلاقی برخی پسرها، دست کردن مردان بین پای خود هنگام صحبت کردن با دختر، نگاه مستقیم پسر به صورت و چشم دختر، اشاره پسرها به پایین تنه یکدیگر در جلوی دخترها، گفتن شوخی‌های جنسی در برابر غیرهمجنس

است.

نفر ۱، خانم ۲۵ ساله، می‌گفت: «خیلی از دخترها دم ورودی دانشگاه چادر سر می‌کردند بعد می‌آمدند سرویس بهداشتی چادر را در می‌آوردند و آرایش می‌کردند... البته پوشش آقایان هم بسیار مهم است. خوشبختانه در دانشگاه ما آقایون اجازه پوشیدن لباسهای تنگ نداشتند ولی متأسفانه لباسهای کوتاهی که می‌پوشیدند و یا شلوارهای تنگ و یا مدل‌های موی غربی و... آزاردهنده بود و متأسفانه در دانشگاه توجهی به این مسائل از جانب مسئولان نمی‌شد.»

ارتباط عقیفانه در دانشگاه

الف. ایجاد ارتباط عقیفانه در دانشگاه

ایجاد ارتباط عقیفانه در دانشگاه به پاره‌ای از سیاستها و اقداماتی اشاره دارد که در دانشگاه هست یا از سوی عاملانی همچون استادان، مسئولان و نهادهای دانشگاه دنبال می‌شود تا ارزشهای اسلامی و هنجارهای دانشگاه برای وجود و حفظ محیط معنوی و علمی فراهم شود.

از جمله سیاستها و اقداماتی که مورد توجه دانشجویان بود، می‌توان به این موارد اشاره کرد: وجود قواعد مشخص برای پوشش دانشگاهی، ارتقای بینش و نگرش اسلامی درباره عفاف و حجاب، ارتقای مهارت‌های ارتباطی در دانشجویان، توجه مسئولان دانشگاه نسبت به پوشش پسرها، عدم اجباری کردن حجاب چادر برای دخترها، عدم خط کشی مستقیم در مورد پوشش، اهمیت رفتار متعادل استادان در گرایش دانشجویان به عفاف و حجاب، عدم تذکر غیرضروری نسبت به رنگ پوشش، مشارکت دانشجویان در برنامه‌های دانشگاه، توجه به ارتقای مهارت‌های ارتباطی دانشجویان، عدم تفکیک جنسیتی کلاسها به دلیل افزایش حرص و طمع و بالعکس جداکردن جنسیتی کلاسها به دلیل جدایی از فضای ارتباط غیرعقیفانه و شکل‌گیری فعالیتهای علمی، برگزاری تریبونهای آزاد اندیشی در مورد سیاستهای فرهنگی دانشگاه، تحریک احساسات دینی جوان دانشجویان با برنامه‌های فرهنگی.

یکی از مهمترین مواردی که مورد اتفاق دانشجویان بود، قانونی نداشتن مسائل مربوط به عفاف و حجاب در دانشگاه بود که بالطبع برخوردهای انضباطی و سلبی را در پی داشت؛ سیاستهایی همچون اجبار چادر در دانشگاه، ستاره‌دار کردن دانشجو در صورت بی‌انضباطی، الزام به پوشش‌های متحدالشکل و... که دانشجو این سیاستها را توهین به شخصیت خود می‌داند و به نوعی کرامت نفس او خدشه‌دار می‌شود؛ هرچند وجود آیین‌نامه‌های اخلاقی حداقلی را هم لازم

می‌دانند؛ مثلاً نفر ۱، خانم ۲۵ ساله، می‌گفت: «یک فرم متعادلی از حجاب باید باشد که همه رعایت کنند. خیلی‌ها هم فرهنگ خانوادگی‌شان این‌گونه بوده که بدون پوشش مناسب در جامعه و محیط دانشگاه حاضر شوند از آنها نمی‌توان انتظار داشت که چادر سر کنند و از این افراد صرفاً باید انتظار داشت که فرم متعادلی از حجاب را رعایت کنند و مقید به قواعد دانشگاه باشند.»

نفر ۱۴، پسر ۲۴ ساله در عین قبول و اهمیت رعایت موازین اسلامی در دانشگاه و هم‌چنین وجود تذکر از سوی مسئولان و استادان به دانشجویان، برخوردهای انضباطی را به طور کامل نفی می‌کرد و می‌گفت: «مسئولین دانشگاه‌ها می‌توانند با برگزاری جلسات به آنها آموزش‌های لازم را بدهند و در صورتی که مورد پیش آمد به آنها تذکر دهند نه اینکه با آنها برخورد کنند.» نفر ۱۵، پسر ۲۶ ساله، می‌گفت: «مسئولان دانشگاه نقش مهمی در ترویج حجاب و عفاف دارند ولی نباید افراطی عمل کنند و باید فرهنگ‌سازی بشود و برخوردهای تند صحیح نیست.»

با برگزاری تربیونهای آزاد اندیشی در دانشگاه‌ها اجازه نقد و نظر در حوزه سیاست‌های فرهنگی دانشگاه به دانشجویان داده شود و شرکت مسئولان و استادان دانشگاه در این تربیونها می‌تواند تا حدودی سیاست‌های فرهنگی دانشگاه را پیش برد. از این حیث توجه به آزادی اندیشه و بیان و نه لزوماً آزادی عمل می‌تواند تفکر انتقادی، تفکر خلاق و عقلانیت دانشجویان را تقویت کند که این امر لزوماً به تأیید ارزش‌های دینی منجر می‌شود. نفر ۱۷، پسر ۲۵ ساله، می‌گفت: «وقتی کاری گفته می‌شود گناه است و کاری دیگر حلال است، این خیلی ارزش ندارد؛ هرچند کار درستی باشد؛ اما چون از روی اجبار است بی‌فایده است. اگر قرار است دانشگاه‌ها وارد شوند؛ بهتر است با فرهنگ‌سازی همایشها و جلسات سخنرانی باعث ایجاد تفکر در دانشجویان شوند تا به حجاب واقعی پی ببرند. بهتر از این است که با زور و فشار بخواهند حجاب رعایت شود و به شأن افراد لطمه بزنند.»

این برنامه‌های فرهنگی می‌تواند با مشارکت خود دانشجویان برگزار شود. که موجب ارتقای مهارت‌های ارتباطی دانشجویان در ارتباط عقیفانه هم خواهد شد. نفر ۱، خانم ۲۵ ساله، می‌گفت: «همایش‌هایی هم که برگزار می‌شد با نظارت دانشگاه بود و خانمها و آقایانی هم که در برگزاری همایش شرکت می‌کردند در راستای پیشرفت همایش همکاری خوبی با هم داشتند و این‌جور مشارکت‌ها باعث می‌شد که افراد برای ورود به جامعه آماده شوند؛ نباید مانع این مشارکت‌ها شد.»

این برنامه‌های فرهنگی می‌تواند زمینه‌های ازدواج دختر و پسر را هم در دانشگاه فراهم کند و

هم‌چنین خانواده‌ها را نیز همراه کند. نفر ۱۲، پسر ۲۷ ساله با تأکید بر وجود نیاز جنسی در هر کدام از دختر و پسر می‌گفت: «این را هم می‌گویم که نیاز و غرایز جنسی هم در وجود دختر و هم پسر. روابط زمان ما از نوع همدلی و صمیمیت است. در اینجا یک فضای سالم و غیر سالم دختر و پسر با توجه به شرایط شخصی خودشان و خانوادگی خودشان می‌توانند در ساختن این فضای سالم مؤثر باشند. در این زمینه به نظر من خانواده‌ها و بعد هم جامعه می‌تواند فضایی را آماده کند که این ارتباط از ارتباط غیر سالم به ارتباط سالم تبدیل شود.» البته شاید دیگر برداشتی که بتوان از بحث ایشان کرد، تأکید بر کارکردهای علمی و تحقیقاتی دانشگاه است که می‌تواند فضای دیگری را در روابط بین دانشجویان به وجود آورد؛ اما نمی‌توان بحث نیاز جنسی را توجه نکرد.

ب. زمینه ارتباط عقیفانه در دانشگاه

منظور از زمینه‌ها، شرایط، ساختارها و میدانهایی است که سبب ارتباط عقیفانه در دانشگاه می‌شود و توجه به آنها سبب آسان‌سازی رفتار عقیفانه در فضای دانشگاه و بالطبع تسری آن در جامعه خواهد شد؛ از جمله زمینه‌هایی که دانشجویان به آن اشاره کردند: ارتباط دانشجویان برای کار علمی، نزدیکی به خانواده با وجود دانشگاه محلی، تربیت خانوادگی فرد قبل از ورود به دانشگاه، گرایش دختران به رعایت حیا، حساسیت زدایی از مسئله حجاب در دانشگاه.

برجسته سازی فضای علمی دانشگاه یکی از مهمترین عوامل زمینه‌ای در وجود ارتباط عقیفانه بین دانشجویان است. نفر ۴، دختر ۲۶ ساله، هم به وجود ارتباطات علمی در دانشگاه اشاره می‌کند و آن را موجب شکل‌گیری ارتباطات سالم بین دختر و پسر دانشجو می‌داند. به این دلیل به نقش استادان توجه داشت: «وقتی مثلاً یک استاد بحث علمی را در کلاس ایجاد می‌کند، دانشجویان را تشویق می‌کند که درباره آن موضوع صحبت، و روی آن موضوع فکر کنند و این فرصتی است تا بیشتر بحثهایی که صورت می‌گیرد، حول همین موضوع باشد.» به این دلیل تفکیک جنسیتی را مورد نقد قرار می‌دهد و آن را مانع شکل‌گیری محیط علمی می‌داند.

در مقابل، شاید لازم باشد از حساسیت ارتباط جنسی و تأکید بر حجاب در برنامه‌های فرهنگی دانشگاه کاسته شود تا دانشجو در فضایی علمی و به دور از حساسیتهای خاص به انتخاب راه درست دست بزند. نفر ۱۲، پسر ۲۷ ساله، می‌گفت: «حجاب جزء مباحث اختیاری است و اینکه ما بخواهیم تمام موضوعات و زندگی روزمره یک دختر و یا پسر را درگیر مسئله حجاب کنیم، فکر نمی‌کنم کار درستی باشد.»

گرایش دختران به حفظ حیا و عفاف در روابط با پسرها می‌تواند یکی از مهمترین زمینه‌ها برای ارتباط عقیفانه باشد. نفر ۷، دختر ۲۸ ساله: «دخترها نقش مؤثرتری دارند؛ چون خانمها بالفطره عقیف هستند و اینکه از لحاظ بدنی هم باعث می‌شود که عفت خودشان را بیشتر حفظ کنند.» نفر ۳، دختر ۲۲ ساله: «فکر می‌کنم کاملاً مدیریت کار خانمها است، دختران و زنان بخوبی می‌توانند مدیریت کنند. آقایان تا حدودی سطحی‌نگر هستند و عمق فاجعه را درک نمی‌کنند. در کل سالم نگهداشتن رابطه دوستی و خانواده کار خانمها است، آقایان نمی‌توانند کار مدیریت را بخوبی انجام بدهند.»

جدا کردن جنسیتی کلاسها

از جمله سیاستهایی که محل چالش و اختلاف نظر میان دانشجویان بود، سیاست جداسازی جنسیتی کلاسهای دانشگاه است. این سیاست هرچند برای زمینه‌سازی ارتباط عقیفانه به کار برده می‌شود، نگرشهای متفاوتی در مورد آن از سوی دانشجویان به عنوان ذی‌نفعان اصلی این سیاست وجود دارد که دلایل آنان در خلال بحثها شناسه‌گذاری شد.

دلایل مخالفان: فرد را نسبت به غیرهمجنس حریصتر می‌کند؛ فرد را از غیرهمجنس گریزان می‌کند؛ اختلال در فرایند جامعه‌پذیری افراد به وجود می‌آورد؛ موجب عدم ارتقای مهارتهای ارتباطی با غیرهمجنس می‌شود؛ باعث ضعیف شدن پیشرفت، رقابت و گفتگوی علمی در کلاسها می‌شود و در نهایت کارکرد اصلی دانشگاه یعنی فضای علمی را مختل می‌کند؛ روابط غیرعقیفانه نه تنها تمام نمی‌شود بلکه به محیط‌های دیگر انتقال می‌یابد؛ این سیاست توهین به شخصیت دانشجویان در چگونگی ارتباط‌گیری با غیرهمجنس است؛ موجب ضعیف شدن امکان ازدواج و یافتن گزینه مناسب برای هر دانشجو می‌شود.

دلایل موافقان: موجب کنترل هیجانانگیز و التهابات ناشی از رویارویی مستمر با غیرهمجنس (حداقل دو ترم اول) می‌شود؛ از دعوای و اغتشاشات بین جنسیتی در محیط کلاس جلوگیری می‌کند و در نهایت موجب ایجاد آرامش روانی برای همه دانشجویان می‌شود.

نفر ۲، دختر ۲۲ ساله، ضمن تأیید تفکیک جنسیتی برای دو ترم اول دانشگاه در جهت آرامش روانی دانشجو می‌گفت: «تفکیک جنسیتی فایده ندارد. همان طور که گفتم فایده‌اش فقط دو ترم اول است که دانشجویان امنیت روحی و روانی پیدا می‌کنند. چون دانشجویان وقتی مورد توجه جنس مخالف قرار می‌گیرند، هیجان‌زده می‌شوند. پس بهتر است که دو ترم اول جدا باشند تا

آرامش بیشتری داشته باشند. اما اگر تفکیک ادامه پیدا کند بتدریج از جنس مخالف گریزان می‌شوند و رفتار صحیح با جنس مخالف را یاد نمی‌گیرند و این مانع اجتماعی شدن آنها می‌شود.»

نفر ۳، دختر ۲۲ ساله، هم مجادله بین دانشجویان غیرهمجنس را خوب نمی‌داند و گفت: «من بشخصه فرد زود جوشی هستم و در صورتی که هم‌کلاسی پسر داشته باشم با آنها بشدت مجادله و کل کل می‌کنم، به نظر من تفکیک دختر و پسر در کلاسهای دانشگاه بهتر است حداقل از نظر من یا اینکه در یک سال، دو سال اول جدا باشیم تا بزرگتر شویم؛ سپس تفکیک برداشته شود.»

نفر ۴، دختر ۲۶ ساله، ضمن تأیید وجود روابط غیرعلمی بین دختران و پسران دانشجو، تفکیک جنسیتی را برای برهم زدن این روابط مفید نمی‌داند و اتفاقاً پیامد منفی آن را کم شدن همان روابط علمی در کلاس و بحث و گفتگوهای علمی می‌داند: «خیر اصلاً با تفکیک جنسیتی موافق نیستم. همان‌طور که گفتم ما در سطح ارشد نسبت به دوره کارشناسی، بازده کمتری داشته‌ایم. (سؤال: منظور فقط روابط علمی نیست) پاسخ: بله در مورد روابط دیگر هم، همان چیزی که در دوران کارشناسی دیده می‌شد در دوران ارشد نیز می‌دیدیم. فقط ما درون کلاسها با پسران نبودیم؛ یعنی جایی که باید مفید باشد (که رابطه علمی است) نیست. کسانی که اصلاً همدیگر را نمی‌شناسند، دختر و پسر هم ورودیهای خود را نمی‌شناسند و این باعث می‌شود تا در حوزه دیگری وارد شود تا بتوانند با هم دیگر رابطه برقرار نمایند.»

ورود دختر و پسر از دبیرستان به دانشگاه و به هم رسیدن دو جنس در اوج نیازهای جنسی و عاطفی یکی از مهمترین دلایل رفتارهای تحریک‌آمیز و غیرعقیدانه دانشجویان سال اولی است. نفر ۵، دختر ۲۴ ساله، گفت: «در سال اول دانشگاه، ترم اول دختر و پسرهای کلاس، خیلی با هم درگیر بودند. استاد پیشنهاد کرد دختر و پسر با هم کنفرانس دو نفره بدهند تا حالت غیر عادی و عجیب بودن از بین برود و رابطه بین دختر و پسر عادی شود. از آن به بعد بچه‌ها خیلی با هم راحت‌تر و دوستانه‌تر رفتار می‌کردند.» در عین حال تفکیک جنسیتی را موجب رخوت و سستی در کارهای علمی سر کلاس می‌داند و فایده‌ای برای جلوگیری از ارتباطات گسترده دو جنس نمی‌داند.

جدول ۳ مضمونهای فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه را به صورت منظم نشان می‌دهد:

جدول ۳: شبکه مضامین دریافتهای دانشجویان از پدیده ارتباط با غیرهمجنس در دانشگاه

شناسه‌های فراگیر	شناسه‌های سازمان دهنده	شناسه‌های پایه: تشریح کننده
دانشجوی عقیف و سالم	رفتارهای سالم مشترک	نگرش اسلامی به عفاف و حجاب؛ حفظ حریم خصوصی؛ حفظ ارتباط رسمی با غیرهمجنس؛ وجود پوشش مناسب؛ عدم جلب توجه دیگری غیرهمجنس
	رفتارهای سالم پسران	پوشش مناسب: نپوشیدن لباسهای تنگ و بدن نما؛ حفظ نگاه در روبرویی با دختران؛ کلام رسمی در ارتباط با دختران
	رفتارهای سالم دختران	پوشش مناسب: چادری، مانتوی سرتاسری؛ درشتی صدا در صحبت کردن با پسران؛ وجود متانت و وقار در ارتباط گیری با پسران؛ آرایش نکردن در حضور اجتماعی
روابط دوستی با غیرهمجنس در دانشگاه	اصل روابط دوستی با غیرهمجنس	تأیید روابط دوستی به صورت رسمی در دانشگاه؛ ضرر روابط دوستی در برهم زدن آرامش روانی دانشجویان؛ فایده روابط دوستی برای کارکرد علمی دانشگاه؛ فایده روابط دوستی در یافتن همسر مناسب با انتخاب فرد؛ فایده روابط دوستی در یادگیری مهارتهای ارتباطات اجتماعی
	انگیزه و شروع روابط دوستی با غیرهمجنس	انگیزه کسب تجربه در ارتباط گیری؛ انگیزه لذت بردن و سرگرمی پسرها؛ انگیزه ازدواج دخترها؛ انگیزه رهایی از قیدهای خانواده بویژه برای دخترها؛ انگیزه کسب تأیید اجتماعی برای دخترها؛ انگیزه تأمین نیاز جنسی؛ نیاز به ارضای محبت در دوری از خانواده؛ انگیزه پسران در جلب دختران زیبا؛ شکل گیری حس رقابت در روابط دوستی
	تداوم ارتباط دوستی با غیرهمجنس	تداوم رابطه در خارج از دانشگاه؛ تداوم رابطه برای تفریح؛ فراوانی دوستی‌های مقطعی و شکست‌های عشقی در کلاسهای دانشگاه
	نقش دختر و پسر در ارتباط دوستی	نقش یکسان هر دو در ارتباط سالم با ناسالم؛ دغدغه و پایبندی دخترها به تداوم دوستی نسبت به پسرها؛ اهمیت حیای زن در ارتباط سالم؛ مراقبت دخترها از برچسب غیرعقیف بودن؛ قدرت زن در مدیریت روابط با توجه به بُعد عاطفی؛ شروع رابطه با توجه به اشاره اول از سوی دختر (آرایش، رفتارهای سبک و ...)؛ قدرت کم پسر در ارتباط گیری با توجه به سطحی نگری و رفتارهای ناشیانه؛ تصمیم جمعی دخترها در ارتباط انحصاری هر یک با پسری مشخص.

ادامه جدول ۳: شبکه مضامین دریافتهای دانشجویان از پدیده ارتباط با غیرهمجنس در دانشگاه

شناسه‌های فراگیر	شناسه‌های سازمان دهنده	شناسه‌های پایه: تشریح کننده
ارتباط غیرعقیفانه در دانشگاه	زمینه‌های ارتباط غیرعقیفانه در دانشگاه	خود کم بینی دختران محجبه؛ قدرت ارتباطی دختران غیرمحجبه؛ تلاش برای رهایی از انزوا (شهرستانی‌ها و دختران محجبه)؛ حریص بودن دختر و پسر نسبت به هم؛ وجود کلاس‌های مختلط؛ آسانی دسترسی به دوستی با غیرهمجنس در دانشگاه؛ ارتباط با افراد پرخطر در دانشگاه و خوابگاه؛ دوران جوانی و کشش نیاز جنسی؛ کنجکاو و هیجان در ارتباط با غیرهمجنس؛ بی‌هدفی در مسیر زندگی و تحصیل؛ دور بودن از خانواده؛ گمنامی در شهر بزرگ؛ برخوردهای دوگانه با دانشجویان
	رفتارهای غیرعقیفانه جلب توجه کننده	خندیدن دختران با صدای بلند؛ خنده‌های بلند پسران در جلوی دختران؛ آرایش کردن دختران؛ مورد خطاب قرار دادن مکرر دانشجوی پسر توسط دختر؛ لبخند دختر به دانشجوی پسر؛ بیرون انداختن موهای رنگ شده توسط دختر؛ صحبت کردن دخترها با ناز و عشوه؛ تأیید فکری و زبانی دختر و پسر نسبت به یکدیگر؛ خطاب قرار دادن با اسم کوچک و ضمیر مفرد؛ دست دادن دخترها و پسرها در احوالپرسی؛ شوخی کردن دختر و پسر با هم؛ پوشش نامناسب دخترها؛ ساپورت، مانتوی قرمز، کفش صندل؛ رفتارهای آرام دختر برای جلب توجه پسر؛ شلوغ بازی پسر برای جلب توجه دختر؛ بحث از اطلاعات خصوصی و شخصی؛ پوشش نامناسب و جذاب پسرها؛ شلوار تنگ، تیشرت تنگ، شلوار فاق کوتاه، لباس کوتاه؛ احوالپرسی در تمایل به ارتباط صمیمانه
	رفتارهای غیرعقیفانه متهورانه و آزار دهنده	آرایش کردن دخترها به صورت غلیظ؛ به اشتراک گذاری مسائل و خاطرات غیر اخلاقی با یکدیگر در جلوی دیگران؛ متلک گویی پسرها به دخترها؛ رفتارهای سبک پسرها و دخترها؛ مدل موهای غربی (پسران)؛ رفتارهای همجنس گرایی در خوابگاه‌ها؛ عشوه‌گریهای دخترانه؛ تماس بدنی و درآغوش گرفتن غیرهمجنسان؛ نگاه ممتد پسر به صورت و چشم دختر؛ اشاره به اندامهای جنسی یکدیگر؛ نوع نشستن دخترها
ارتباط عقیفانه در دانشگاه	ایجاد ارتباط عقیفانه در دانشگاه	وجود قواعد مشخص برای پوشش دانشگاهی؛ ارتقای باور، بینش و نگرش اسلامی درباره عفاف و حجاب؛ آموزش رفتار هنجاری با فهم امروزی؛ ارتقای مهارتهای ارتباطی دانشجویان؛ ارتباط گیری دانشگاه با خانواده در مورد دانشجو

ادامه جدول ۳: شبکه مضامین دریافتهای دانشجویان از پدیده ارتباط با غیرهمجنس در دانشگاه

شناسه‌های فراگیر	شناسه‌های سازمان دهنده	شناسه‌های پایه: تشریح کننده
ارتباط عقیفانه در دانشگاه	ایجاد ارتباط عقیفانه در دانشگاه	<p>بهره برداری از تبلیغات محیطی در دانشگاه؛ تأثیر استادان در گرایش دانشجویان به عفاف و حجاب؛ عدم خط کشی مستقیم در مورد پوشش؛ الزام نکردن در رفتارهای اخلاقی بویژه حجاب چادر برای دخترها؛ تذکر غیرضروری ندادن نسبت به رنگ پوشش؛ برخورد انضباطی و حراستی نکردن با دانشجو؛ تذکر ندادن دم در اصلی دانشگاه؛ نبودن حساسیت نسبت به روابط دوستی؛ تشدید برخورد انضباطی در برابر دانشجویان پرخطر؛ برخورد انضباطی از سوی کارمندان آگاه و با اخلاق؛ برگزار نکردن اردوهای مختلط؛ حساسیت زدایی از مسئله حجاب در دانشگاه؛ ایجاد روش ثابت بین همه نهادهای دانشگاه در مورد هنجارهای اسلامی؛ ارتباط با دانشجویان براساس احترام و کرامت نفس؛ فراهم کردن زمینه‌های ازدواج؛ ارتقای کیفی برنامه‌های فرهنگی دانشگاه؛ مشارکت دانشجویان در برنامه‌های دانشگاه؛ برگزاری تریبونهای آزاد اندیشی؛ تفکیک جنسیتی کلاسها در دوره کارشناسی؛ زیرا: جلوگیری از هیجانانگیز و التهابات رویارویی مستمر با غیرهمجنس، جلوگیری از دعوای و اغتشاشات بین جنسیتی در محیط کلاس، ایجاد آرامش روانی، ایجاد فرصتی یکساله برای بلوغ و تکامل شخصیت، شکل‌گیری ازدواجهای سطحی و طلاق سریع؛ جدا نکردن جنسیتی کلاسها؛ زیرا حریص کردن فرد نسبت به غیرهمجنس، گریزاننده کردن فرد از غیرهمجنس، اختلال در فرایند جامعه‌پذیری افراد، عدم ارتقای مهارتهای ارتباطی با غیرهمجنس، ضعیف شدن پیشرفت، رقابت و گفتگوی علمی در کلاسها، انتقال روابط غیرعقیفانه به محیطهای دیگر، توهین به شخصیت دانشجویان، کم شدن امکان ازدواج و یافتن گزینه مناسب، فایده نداشتن تفکیک جنسیتی در مدارس</p>
	زمینه ارتباط عقیفانه در دانشگاه	<p>توجه به عزت نفس و اهداف بلند؛ شهرت در شهرهای کوچک و گمنام نبودن؛ تربیت خانوادگی فرد قبل از ورود به دانشگاه؛ تربیت در مدرسه قبل از ورود به دانشگاه؛ گرایش فطری دخترها به حیا؛ فعالیت دانشجویها در کار علمی؛ فعالیتهای اجتماعی و دانشگاهی دانشجویان؛ هدایت تحصیلی مطابق انگیزه‌ها و علاقه‌ها؛ ایجاد عشق و علاقه در دانشجو از سوی استاد نسبت به فعالیت علمی؛ نزدیکی به خانواده با وجود دانشگاه محلی</p>

نتیجه گیری

در این مقاله تلاش شد تا با روش تحلیلی، چگونگی تربیت اسلامی دانشجویان در دانشگاه با توجه به مورد ارتباط عقیفانه بررسی شود. تربیت اسلامی به تغییر بینشها و ارزشهای انسان در جهت تعالی روح و تکامل او می‌انجامد؛ برای همین براساس راهبرد استفهامی و با انتخاب رویکردی پدیدارشناختی، ارتباط با نامحرم در نگاه جوانان دانشجو در فضای دانشگاه مطالعه شد تا دریافتهای دانشجویان به مثابه متری در الگویی برای تربیت عقیفانه مورد توجه قرار گیرد.

از خلال مصاحبه‌های مبسوطی که با ۳۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران صورت گرفت، مصاحبه‌ها برای استخراج مفاهیم اولیه شناسه‌گذاری باز شد. تعداد مفاهیم هر سؤال در قالب دوازده مقوله محوری طبقه‌بندی شد. در نهایت برای انتزاع بیشتر و درک جنبه‌های مختلف ارتباط با غیرهمجنس، مقولات محوری در قالب پنج مقوله هسته‌ای (دانشجوی عقیف، روابط دوستی با غیرهمجنس در دانشگاه، ارتباط غیرعقیفانه و ارتباط عقیفانه در دانشگاه) خلاصه شد. در نتیجه به دسته‌بندی خاصی از دانشجوها با توجه به چالش ارتباط عقیفانه در دانشگاه برای ایشان دست یافتیم که به اقتضای هر دسته، رفتار تربیتی خاص آن را می‌طلبد:

الف. دانشجویان در معرض آسیب یا آسیب‌پذیر: معمولاً دانشجویان سال اولی هستند که با فرهنگ دانشگاه و روابط با غیرهمجنس آشنا نیستند. هم‌چنین دانشجویان شهرستانی و روستایی با طبقه اجتماعی پایین‌تر نسبت به دانشجویان کلانشهرها از آنجا که احساس فاصله قدرت می‌کنند در معرض آسیبهایی همچون انزوا و خودکم‌بینی قرار دارند. دانشجوی گمنام در شهر و دانشگاه نیز جزء این دسته قرار می‌گیرد.

ب. دانشجویان آسیب‌دیده: دانشجویانی که در روابط غیرعقیفانه قرار دارند و تقریباً ارزشهای اسلامی برای آنها اهمیت چندانی ندارد.

ج. دانشجویان پرخطر: دانشجویانی که مخالف ارزشهای اسلامی همچون عفاف هستند و به رفتارهای محرک و متهورانه دست می‌زنند و به صورت کلامی نیز به دیگران حمله می‌کنند.

د. دانشجویان مذهبی خودپسند: نسبت به ارزشهای اسلامی مقید هستند اما نسبت به دیگران بی‌اهمیت، و به نوعی انزوا در دانشگاه و روابط با دیگر دانشجوها رسیده‌اند.

ه. دانشجویان مذهبی با مسئولیت اجتماعی: نه تنها به ارزشهای اسلامی مقید هستند، بلکه نسبت

به دیگر دانشجویان بویژه دانشجویان در معرض آسیب و آسیب دیده احساس مسئولیت می‌کنند و با شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر، موعظه، نصیحت و حکمت سعی بر توجه ایشان به ارزشهای اسلامی دارند.

در توجه به پوشش به عنوان یکی از مهمترین رفتارهای سالم برای دانشجوی عقیف و همچنین سیاستهای الزام آور انضباطی، هر کدام از دو جنس به پوشش و رفتار جنس دیگر توجه داشت. دانشجویهای دختر ضمن اکراه از توجه بیشتر به چادر و حجاب، نوع پوشش (شلوار فاق کوتاه، لباس چسبان) و رفتار پسران (شوخی کردن، بلند خندیدن، نگاه ممتد کردن) را بیشتر مورد توجه خود قرار می‌دادند که امنیت روانی ایشان را به مخاطره می‌اندازد و خواستار قوانین انضباطی و آیین‌نامه‌های اخلاقی در مورد نوع پوشش پسرها شدند. همچنین دانشجویهای پسر از پوشش (سپورت، بیرون انداختن موهای رنگی و مانتوهای تنگ) و رفتارهای دختران (بلند خندیدن، آرایش کردن و عطر زدن) شکایت داشتند و خواستار زمینه‌ای به نام فرهنگ‌سازی برای تغییر این رفتارها بودند.

دانشجویان بر دریافت مشترک از انسان سالم و عقیف تکیه کردند و آن را محصول خانواده می‌دانستند تا جامعه و مدرسه و دانشگاه؛ بنابراین در دید اینان نقش خانواده در تربیت نسل عقیف از هر نهاد دیگری مهمتر است که رابطه‌های گوناگونی با ارتباط عقیفانه دارد. دوری و نزدیکی به خانواده، برآورده شدن نیازهای عاطفی در خانواده، تقیدات دینی خانواده و پیگیری احوال دانشجوی توسط خانواده از جمله عواملی است که بر ارتباط عقیفانه فرد در دانشگاه همچون حفظ ارتباط رسمی و علمی، حفظ وقار و متانت در برخورد با غیرهمجنس تأثیر دارد.

انگیزه روابط دوستی با غیرهمجنس حتی به انگیزه ورود به دانشگاه نیز مربوط می‌شود و از سوی دختر و پسر در انتخاب رفتارهای عقیفانه مهم است. بسیاری از دختران و پسران دانشجوی بر این باورند که یکی از مهمترین انگیزه‌های ورود خیلی از افراد به دانشگاه بویژه برای دخترها امکان ازدواج است. بنابراین یکی از زمینه‌های شکل‌گیری ارتباط غیرعقیفانه وجود انگیزه‌های غیرعلمی و غیرعقلایی است.

از نگاه دانشجویان، مهمترین زمینه‌های ارتباط غیرعقیفانه، وجود کلاسهای مختلط آموزشی و ارتباط مداوم با غیرهمجنس، خوابگاهی بودن و احساس خلأ عاطفی، ارتباط با افراد ناهنجار در دانشگاه و خوابگاه، دور بودن از خانواده، گمنامی در دانشگاه و شهر محل تحصیل، طبقه اجتماعی

پایین در میان همسالان بود. زمینه طبقه اجتماعی پایین تر معمولاً موجب خود کم بینی، سطحی نگری و ساده انگاری فرد در ارتباط گیری با غیرهمجنس می شود که در نهایت سبب همانندسازی فرد در رفتارهای غیرعیفانه با دانشجویان از طبقه اجتماعی بالاتر می شود. روابط آزاد با غیرهمجنس معمولاً از سوی دانشجویان با طبقه اجتماعی بالاتر به مثابه روابط عینی میدان دانشگاه بر دیگر دانشجویان تحمیل می شود؛ به عبارت دیگر دانشجو برای اینکه در روابط دانشگاهی تشریک مساعی کند، رفتارهایی را در روابط با غیرهمجنس انتخاب می کند که تا قبل از این برایش زشت بود. در مورد کلاس مختلط برخی از دانشجویان معتقدند که سبب افزایش مهارت‌های اجتماعی و قدرت علمی می شود؛ در مقابل، تفکیک جنسیتی موجب افزایش حساسیتها بین دو جنس می شود، همان طور که در تحقیق نیلچی زاده (۱۳۷۹) به آن اشاره شده بود.

از نگاه دانشجویان، مهمترین زمینه‌های ارتباط عیفانه در دانشگاه: توجه دانشجو به عزت نفس و اهداف بلند، عدم گمنامی در دانشگاه و شهر، تربیت خانوادگی و مدرسه‌ای او، فعالیت‌های علمی و اجتماعی دانشجو در دانشگاه و جامعه، نزدیکی به خانواده در طول تحصیل و امکان ازدواج است که در کنار اقداماتی همچون ارتباط گیری بیشتر استادان با دانشجویان، ارتقای انگیزه‌ها و اهداف ایشان، ارتقای باورها و نگرشهای اسلامی، وجود قواعد مشخص برای پوشش دانشگاهی و برخورد انضباطی با دانشجویان پر خطر معنی دار می شود. البته باید توجه کرد که در تحقیق اسدی پویا و همکاران (۱۳۷۹) اجبار در پوشش چادر به عنوان کم اثرترین راهکار برای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در دانشگاه‌ها برشمرده شد.

با توجه به مفاهیم، مقولات و نسبت‌هایی که در دریافت دانشجویان از ارتباط عیفانه به دست آمد به نظر می رسد زمینه سازی برای شکل گیری ارتباط عیفانه در فرایند تربیت اسلامی در حفظ کرامت انسانی دانشجویان رخ خواهد داد. بنابراین برخوردهای انضباطی به صورت جمعی و حداکثری نباید اتفاق افتد و فقط برای دانشجویان پرخطر لازم است. هم چنین زمینه سازی در کم کردن ارتباط با غیرهمجنس با تفکیک جنسیتی کلاسها باید با خواست دانشجویان همراه باشد و گرنه به لحاظ روانی دانشجو در برابر سیاست‌های فرهنگی دانشگاه موضعگیری می کند و فرایند تربیت او با مشکل روبه رو می شود. اساساً احساس امنیت روانی و احساس کرامت نفس دانشجو در محترم شمردن اراده و انتخاب او مهمترین زمینه شکل گیری تربیت اسلامی در دانشگاه است. در سیاستگذاری فرهنگی با توجه به تربیت اسلامی، مشارکت دادن دانشجویان در

تصمیم‌گیریها سبب همدلی با سیاستهای فرهنگی دانشگاه می‌شود. دانشجویان خود را در برابر دانشگاه و جامعه قرار نمی‌دهند، بلکه در تضارب اندیشه‌ای و رفتاری به انتخاب رفتارهایی دست می‌زنند که با هنجارهای جمعی همراه است. هم‌چنین دانشجویان به عنوان اصلیت‌ترین ذی‌نفعان این سیاستگذاری باید به سیاستهای آن ترغیب شوند. این ترغیب با رویکرد مراقبت از خود و دیگری انجام می‌شود. به نوعی کمیته انضباطی به عنوان ناظر اخلاق در دانشگاه در دست دانشجویان متعهد به ارزشهای اخلاقی و دلسوز نسبت به کارکردهای اصلی دانشگاه قرار می‌گیرد تا همذات‌پنداری دانشجویان با ناظران تقویت، و بدین ترتیب درونی کردن ارزشها آسان شود.

با توجه به این ملاحظه‌ها و هم‌چنین دریافتهای دانشجویان، دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در مورد تربیت در دانشگاه و روشهای تربیت اسلامی، می‌توان در یک الگو روشهای تربیتی را برای جوانان در دانشگاه طراحی کرد به گونه‌ای که حق انتخاب، احترام به کرامت نفس، زمینه‌سازی برای انتخاب صحیح، جلوگیری از شکل‌گیری مقاومت و مشارکت در تصمیم‌گیری در آن وجود داشته باشد. بنابراین الگوی سه بعدی ذیل پیشنهاد می‌شود:

جدول ۴: الگوی روشهای تربیت ارتباط عقیفانه در دانشگاه

ابعاد رشد	غیرمستقیم	مستقیم	روشهای تربیتی وضعیت متری
شناختی عاطفی رفتاری	بحث و مجادله اصلاح فرد در عمل استاد مشارکت در تربیون آزاداندیشی	برخورد انضباطی با حفظ کرامت نفس مراقبت و ارزیابی در هماهنگی دانشگاه و خانواده	مخالف و معاند
	فراهم کردن امکان ازدواج الگوپردازی با عمل استاد برنامه های فرهنگی دانشگاه	برخورد انضباطی با حفظ کرامت نفس آموزش ارتباط عقیفانه اصلاح با تبیین ارزشها ترغیب با تشویق رفتارهای ارزشی مراقبت و ارزیابی در هماهنگی دانشگاه و خانواده ارتباط مستمر با استاد و مشاور	آسیب دیده
	بحث و گفتگو فراهم کردن امکان ازدواج الگوپردازی با عمل استاد برنامه های فرهنگی دانشگاه انگیزه سازی رسیدن به اهداف بزرگ	آموزش ارتباط عقیفانه مراقبت با تبیین ارزشها ترغیب با تشویق رفتارهای ارزشی ارتباط مستمر با استاد و مشاور	در معرض آسیب
	فراهم کردن امکان ازدواج مراقبت با تکرار و تذکر برنامه های فرهنگی دانشگاه بحث و گفتگو الگوپردازی با عمل استاد انگیزه سازی رسیدن به اهداف بزرگ	آموزش ارتباط عقیفانه ارتقا با تبیین ارزشها	مذهبی خودپسند
	فراهم کردن امکان ازدواج اقدام خودجوش در برنامه های فرهنگی دانشگاه مشارکت در تربیون آزاداندیشی	مشارکت در تصمیم گیریهای دانشگاه واسپاری نظارت بر رفتارهای هنجاری دانشجویان	مذهبی با مسئولیت اجتماعی

در ضرب هر سه بُعد به روشهایی می‌رسیم که برگرفته از (۱) آموزه های اسلامی عفاف در ارتباطات انسانی (۲) روشهای تربیت اسلامی (۳) دیدگاه های مقام معظم رهبری در مورد تربیت در

دانشگاه ۴) دریافتهای دانشجویان از ارتباط عقیفانه و غیرعقیفانه در دانشگاه است. سیاست برخورد انضباطی به برخوردهای سلبی و قهری اشاره دارد که لازم است با حفظ کرامت نفس نسبت به دانشجویان پرخطر انجام شود؛ مشارکت طلبی، یعنی جلب مشارکتهای ذی نفعان در تصمیم گیری و اجرای برنامه‌ها؛ بحث و گفتگو برای فرایندهای اقناع و متقاعدسازی پیش گرفته می‌شود؛ مراقبت، به سیاستهایی در جهت نگهداشت وضعیت موجود و امنیت روانی و اخلاقی اشاره دارد؛ الگوسازی یعنی آموزشها یا رویارویی فرد با شخصیت هایی که توان الگوشدن و تقلید رفتاری دارند؛ ارزیابی به فرایندهای نظارت بر جریان رشد فرد نسبت به سیاستهای تربیتی اشاره دارد؛ فرایند اصلاح نیز در تغییر بینشها و گرایشها و رفتارها رخ می‌دهد؛ تبیین ارزشها به گفتمان سازی و تغییر بینشها در فهم دقیقتر ارزشهای بنیادین اشاره دارد.

سیاستهایی همچون تفکیک جنسیتی کلاسهای درس، آیین‌نامه‌های انضباطی در مورد چگونگی پوشش و بروز رسانی آموزش معارف اسلامی و اقناع دانشجویان در پذیرفتن سعادت در مسیر دینداری از جمله روشهای زمینه‌ای است که موجب آسان‌سازی شکل‌گیری فضای تربیتی و علمی در دانشگاه می‌شود و شمولیت آن برای هر پنج دسته از دانشجویان است.

یادداشتها

- ۱ - از آنجا که دانشگاه‌های شهر تهران از سراسر کشور و در همه رشته‌ها دانشجو دارد به عنوان نمونه مناسب برای تعمیم نتایج در نظر گرفته شده است.
- ۲ - زندگی در کنار خانواده
- ۳ - "و نَفْسٍ وَّ مَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا * (الشمس / ۷ و ۸)
- ۴ - "مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَلْحُورًا * وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا * كَلَّا نُمِدُّ هُوَآءَهُ وَ هُوَآءُهُ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا" (اسراء / ۱۸ تا ۲۰). مسیری که تمام انسانها بدون استثنا وارد آن می‌شوند که فرمود "وَ إِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا" (مریم / ۷۱)
- ۵ - اشاره به کریمه: وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً (بقره / ۳۰)
- ۶ - اشاره به کریمه: وَ لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (الأعراف / ۱۷۹)
- ۷ - اشاره به کریمه: وَ عَلَّمَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَاتٍ عَدْنٍ وَ رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (التوبه / ۷۲)

- ۸ - اشاره به کریمه: الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَجْرُهُمُ (الرعد/ ۲۹)
- ۹ - اشاره به کریمه: إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا (النساء/ ۱۴۵)
- ۱۰ - اشاره به کریمه: هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاعِينَ لَشَرَّ مَا أَجْرُهُمْ (ص/ ۵۵)
- ۱۱ - إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ (يوسف/ ۵۳)
- ۱۲ - إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (فاطر/ ۶)
- ۱۳ - "إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ" (۵۳/يوسف) و "إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ" (۶/فاطر)
- ۱۴ - خدای متعال به پیامبرش می‌فرماید «أَنْتَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ» (القصص/۵۶): تو نمی‌توانی هر کسی را دوست داری هدایت کنی. امر هدایت دست خود من است. «یهدی من یشاء، یضل من یشاء» (التحل/۹۳) پس آن رابطه‌ای که خدا که رب است با عالم دارد، مربی با متربی ندارد؛ بلکه پیامبران و امامان، جانشینان رب‌العالمین هستند. آنها در این فضایی که خدا قرار داده است به هدایت انسانها اقدام می‌کنند.
- ۱۵ - به همین دلیل در آیات متعدد قرآن به این مضمون مهم اشاره می‌کند و می‌فرماید که ما می‌توانیم همه را هدایت کنیم ولی باید بدانند که «اگر ما می‌خواستیم همه را هدایت کنیم، هر فردی را به تناسب حال و به اندازه استعدادش هدایت می‌کردیم تا هیچ کس به دوزخ درنیفتد...» - وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (سجده/ ۱۳)
- ۱۶ - چهار سرمایه مورد نظر بورديو برای هر کنشگر: سرمایه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و نمادین

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر، چ سوم.
- اسدی پویا، علی اکبر؛ پنجه شاهین، محمدرضا؛ معتمد، نیلوفر؛ گلشنی، سیده الهام؛ فاطمه صدیق (۱۳۷۹). تعیین عوامل برانگیزاننده و بازدارنده گسترش فرهنگ حجاب در دانشگاه. اولین همایش نقش دین در بهداشت روان.
- بال، زهره (۱۳۹۰). ترکیب جنسیتی ورودی دانشگاه‌ها/ استانهای دارای بیشترین آمار دانشجوی زن. خبرگزاری مهر. تاریخ آخرین بازدید: ۱۲ فروردین ۱۳۹۴.
- باهنر، ناصر؛ علم الهدی، سید عبدالرسول (۱۳۹۲). هنجارهای عفاف و حجاب اسلامی در سیما و سینما: تحلیل تطبیقی سیاستها. فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات. ش ۲۱.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴). طراحی پژوهش‌های اجتماعی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: انتشارات نی.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۳). «تحلیلی از اندیشه بورديو». نامه علوم اجتماعی. س یازدهم. ش ۲۳.
- خمینی، روح اله (۱۳۸۶). صحیفه امام. چ چهارم. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم.

- رشکیانی، مهدی (۱۳۹۳). عفاف و برنامه‌های نمایشی رسانه. قم: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی.
- صفایی‌حائری، علی (۱۳۸۲). مسئولیت و سازندگی. قم: لیله القدر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- معین، محمد (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- سادات منصور، محمد (۱۳۸۷). بررسی تحقیقات پیمایشی انجام شده در خصوص حجاب و عفاف. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- فلاحی، لیلا؛ محبوبی، نسیم السادات (۱۳۹۴). زنان و آموزش عالی: تحلیلی بر وضعیت اشتغال زنان دانش‌آموخته. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۴). «پرسمان دانش و روشنفکری». مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. س دوم. ش اول.
- قائم، علی (۱۳۶۵). زمینه تربیت. تهران: امیری.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. چ ششم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کرمانشاهیان، ام‌البنین (۱۳۷۷). گرایش به حجاب و برداشت از آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی شهر تهران و علل و عوامل جامعه‌شناختی آن. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی. س ۵. ش ۲: ۱۵۱ تا ۱۹۸.
- عزیززاده، گیتی (۱۳۸۸). سنجش نگرش دانشجویان دانشگاه‌های تهران به پوشش و حجاب. تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
- علم الهدی، سید عبدالرسول (۱۳۹۱). ارتباط عقیفانه در تلویزیون و سینما. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- متقی فر، غلامرضا (۱۳۸۸). درآمدی بر نظام اخلاق جنسی در اسلام. قم: مؤسسه امام خمینی.
- مرتضوی، سید محمد (۱۳۷۵). اصول و روش‌ها در نظام تربیت اسلام. مشهد: گلنشر.
- نراقی، ملا احمد (۱۳۷۷). معراج السعادة. تهران: انتشارات دهقان.
- کلینی (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جوئیس (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در روان‌شناسی و علوم تربیتی. ترجمه احمدرضا نصر و همکاران. تهران: انتشارات سمت.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱). اخلاق در قرآن. چ ۲. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).

محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۱ (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی). ج ۲. تهران: جامعه‌شناسان.

محمدپور، احمد (۱۳۸۸). نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی: سنخ‌ها و روش‌ها. مجله علوم تربیتی. دانشگاه چمران اهواز. دوره ۵. ش ۴: ۱۳۱ تا ۱۶۴.

موسی‌پور، نعمت‌الله (۱۳۹۵). مبانی برنامه‌ریزی آموزش متوسطه. ج پنجم. مشهد: به‌نشر.

نیلچی‌زاده، فروغ (۱۳۷۹). طرح بررسی راهکارهای هنجارسازی و تقویت‌گرایش دانشجویان به حجاب اسلامی. تهران: معاونت آموزشی پژوهشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه.

Bott, S., Cantrill, J., & Myers, O.E. (2003). Place and the Promise of Conservation Psychology. *Human Ecology Review*, 10, 100-112

Center. D.(1971) the psychology of place. London the "architectural press psychology" journal of environmental psychology no, 2: 119-140.

Relf. E. (1976). "place and placelessness". Pion. London.

Strauss, A.L. Corbin, J. (1998), *Basic of Qualitative Research* (2nd edn). London: SAGE.

Swartz, David (1997) *Culture & Power: The Sociology of Pierre Bourdieu*, The University of Chicogo Press.

